

از حمام خانه‌ای در جنوب پایتخت تا خیابان‌های مولوی و شهرری
پایتخت یک شبه در خون غلتید

پنج جنایت در یک شب

خودکشی، قتل، درگیری خانوادگی، برادر کشی و مصرف سیانور

آیا تهران زیر بار فشارهای روانی فرو می‌پاشد؟

همین صفحه
و صفحه ۷

نازنین مدعی بود عاشق شده و حتی نام فرشی‌دا را تئو کرده است. اما همه چیز از کنترل خارج شد. در یک درگیری خیابانی، فرسید با ضربات چاقو نازنین را کشت.

● آیا تهران دارد از درون می‌پاشد؟

پنج جنایت در یک شب، عددی نیست که بتوان به‌سادگی از کنارش گذشت. این فقط آمار نیست؛ هشدار است از درون شهری که خشم، تنهایی، افسردگی، اعتیاد، خشونت خانگی و بی‌اعتمادی در آن نهادینه شده است. ما در مورد جنایت‌هایی صحبت می‌کنیم که هریک در دل خود زنجیرهای از بحران‌های عمیق‌تر را پنهان کرده‌اند. بحران سلامت روان، بحران هویت اجتماعی، فروپاشی روابط خانوادگی، ناکارآمدی نظام حمایتی و به‌ویژه خشم‌های فروخورده‌ای که مثل آتشفشان‌های بی‌زمان در لحظه‌ای منفجر می‌شوند. در مرز بین جنایت‌های مرد بازنشسته، تنها افسردگی دلیل نبود. نبود شبکه حمایت اجتماعی، حس بی‌فایده بودن در دوران بازنشستگی و شاید فقر یا بیماری، او را به این انتخاب رساند. مردی که با دستخط خودش از دنیا خداحافظی کرد، چون کسی نبود که صدایش را بشنود. در ماجرای برادرکشی، چیزی فراتر از یک اختلاف ساده وجود داشت. کینه‌ای که از کودکی شکل گرفته و هرگز درمان نشده بود. جامعه‌ای که تاب حل تعارض ندارد، راهی جز خشونت برای تخلیه تنش نمی‌شناسد.

ماجرای حامد و برادرزنش بازتاب نوعی بی‌ثباتی روحی است که بدون درمان، ناگهان به خشونت بدل می‌شود. مصرف سیانور، تصمیمی ناگهانی نیست. آنقدر ناامیدی درون فرد شکل گرفته که مرگ، شیرین‌تر از بقا جلوه می‌کند. در قتل مرد افغان، بی‌دلیل بودن ماجرا از همه چیز ترسناک‌تر است. قربانی نه آشنا بود، نه دشمن. شاید قربانی تصادفی خشمی شده که باید جایی دیگر تخلیه می‌شد و وقتی جامعه مکانیزم تخلیه خشونت را نمی‌فهمد، هر رهگیزی می‌تواند آخرین نقش یک نمایش خونین باشد.

قتل عروس خاله به دلیل تنش‌های خانوادگی و روابط پیچیده‌ای است که در میان افراد نزدیک شکل می‌گیرد. این جنایت به وضوح نشان دهنده بحران‌های روانی و سوءتفاهم‌های عاطفی است که می‌تواند در پی فشارهای اجتماعی و فردی به خشونت منجر شود. تهران امروز فقط قربانی چاقو نیست. قربانی بی‌تفاوتی، بی‌قراری و بی‌پناهی‌ست. خشونت خانگی، ناامیدی اجتماعی، نبود درمان روانی رایگان، فروپاشی گفت‌وگو در خانواده‌ها و سکوت رسانه‌ها در قبال آسیب‌های روانی، همه و همه دست‌به‌دست هم داده‌اند تا پایتخت هر شب بیشتر شبیه صحنه جنایت شود تا شهری برای زندگی.

ما از جنایت نمی‌هراسیم؛ از عادی شدن آن می‌ترسیم.

0920 200 17 07

شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی ، تصویری و ویدئویی
از طریق پیامک ، تلگرام و واتس‌آپ

ساعت از نیمه شب گذشته بود که زنگ تلفن‌ها برای پلیس یکی پس از دیگری به صدا درآمد. محله‌ای در سایه، خیابانی در تاریکی. این فقط یک شب بود، شبی که تهران دیگر نخواهید. در کمتر از شش ساعت، پنج اتفاق هولناک گزارش شد؛ همه در یک شب، همه در یک شهر و همه با پایان‌هایی تلخ، خشن و خون‌آلود. اولین تماس ساعت یک بامداد از کلانتری شهری بود؛ درگیری خونینی میان دو مرد در مقابل خانه‌ای مسکونی. مهاجم جوان، حامد نام داشت. او در اوج خشم به سراغ برادرزنش رفته بود. ضربات پی‌درپی چاقو، خون در پیاده‌رو و ناگهان تصور مرگ حامد که فکر می‌کرد جان گرفته، قرض سیانور را بالا انداخت. هم خودش رفت و هم طرف مقابل، اما نه تا آخر خط. هر دو زنده ماندند؛ یکی در کما، یکی در مراقبت‌های ویژه.

نیم ساعت بعد، صدای آژیر دیگری در خیابان مولوی پیچید. مردی افغان، رهگذری ساده، قربانی خشم سه مهاجم ناشناس شد. دوربین‌ها نشان دادند که چطور ناگهانی به او حمله کردند، چاقو زدند و بعد در تاریکی گم شدند. انگیزه؟ هنوز هیچ. نام و نشان قاتلان؟ ناشناس. فقط یک جسد، بی‌صدا و تنها، روی آسفالت خیابان. نزدیک ساعت دو بامداد، ماجرای سوم. این‌بار یک جسد در حمام، مردی ۶۰ ساله، بازنشسته‌ای تنها، خسته از زندگی. دست‌نوشته‌ای در اتاقش جا مانده بود: «بیخوشید، خسته‌ام». قرض و جسم برنده و بدنی بی‌جان، روایت یکی دیگر از هزاران پایان خاموش افسردگی در پی‌ری.

اما قصه جنون‌آمیز این شب ادامه داشت. در منطقه‌ای دیگر، مردی جوان به نام امین سراغ برادرش رفت. اختلافی قدیمی، کینه‌ای عمیق. درگیری در خیابان بالا گرفت و ناگهان امید چاقو را کشید. برادرش را کشت و فرار کرد. چند روز بعد، مأموران او را در مخفیگاهش بازداشت کردند. «پشیمان نیستم. از کودکی با هم دشمن بودیم»؛ این‌ها جمله‌های مردی بود که برادرش را با دستان خودش به خاک سپرد.

پرده دیگر این تراژدی بی‌وقفه، حدود ساعت ۲:۳۰ بامداد به وقوع پیوست. مردی زخمی، افتاده در کوچه‌ای تاریک. ابتدا تصور می‌شد قربانی یک دعوی خیابانی‌ست. اما بررسی‌ها نشان داد که این مرد، همان کسی‌ست که اندکی پیش‌تر برادرزنش را زخمی کرده و حالا با سیانور قصد پایان دادن به زندگی‌اش را داشته. داستان‌ها به هم گره خوردند. خیابان‌ها به هم پیوستند. سرنوشت‌ها یکی شدند.

اما شاید تکان دهنده‌ترین پرونده به ماجرای قتل نازنین در پاکدشت بازگردد. زنی که از همسرش جدا شده بود، سپس به زندگی مشترک بر گشت، اما قربانی عشقی موزای و پر آشوب شد. عامل قتل، مرد جوانی به نام فرشید، پسر خاله شوهر نازنین، بود. طبق ادعای او، نازنین بعد از طلاق پیشنهاد رابطه عاشقانه داده بود. وقتی با پاسخ منفی مواجه شد، نقشه‌ای برای آدم‌ربایی کشید تا از او انتقام بگیرد.

گزارش هفت صبح نشان می‌دهد شهرداری تهران ۱۰۰ درخت دیگر در خیابان ولیعصر را برای حذف، علامت‌گذاری کرده است

چنارهای تهران در صف مرگ

کف‌سازی نهرها عامل خشکیدن چنارهای خیابان ولیعصر معرفی شده است

دورخیزبانک‌های ایرانی
برای بازگشت به بازار اروپا

با گشایش احتمالی در روابط اقتصادی ایران و جهان، بانک‌هایی که شعب خارجی خود را از دست نداده‌اند، گوی سبقت را از دیگران خواهند ربود. فرصتی که تنها در اختیار معدودی از بانک‌های بزرگ باقی مانده است

صفحه ۹

گفت‌وگو با ناصر جاهدنیا مدیرعامل بنیاد ملی پویانمایی

تکلیف غیرممکن برنامه هفتم توسعه

چالش تولید ۷۳۰۰ ساعت انیمیشن در فضای بدون حمایت قابل حل نیست

صفحه ۴

قصه‌هایی که سیاست می‌سازند

سریال‌ها چگونه دیدگاه ما را تغییر می‌دهند؟

● **هوشیاری مخاطب، چالش قصه‌گویان**

اما این میدان بازی دیگر ساده نیست. تماشاگر امروز نسبت به گذشته تغییر کرده است. آشنایی با سریال‌های خارجی، امکان دسترسی به محتواهای متنوع و رشد سواد رسانه‌ای باعث شده است که مخاطبان ایرانی تحلیل‌گرتر و سختگیرتر باشند. آنها فقط به قصه‌ها اکتفا نمی‌کنند؛ می‌پرسند، مقایسه می‌کنند، نمادها را می‌شناسند و به دنبال پیام‌های پنهان می‌گردند.

در چنین فضای، سریال‌سازان ناچارند روایت‌های خود را دقیق‌تر طراحی کنند. داستان‌ها باید سرگرم‌کننده باشند و از نظر روانی، اجتماعی و فرهنگی نیز باورپذیر جلوه کنند. فیلمنامه‌هایی که دچار ساده‌سازی یا شعارزدگی شوند، دیگر نمی‌توانند قلب مخاطب را تسخیر کنند.

از سوی دیگر، رعایت ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی، خط قرمزی است که سریال‌ها ناگزیرند آن را جدی بگیرند.

● **سریال‌ها؛ تصویر فردای ما**

تأثیر سریال‌ها تنها محدود به زمان تماشای نیست. این داستان‌ها با ما زندگی می‌کنند. شخصیت‌هایی که تحسین‌شان می‌کنیم، تصمیم‌هایی که در روند داستان مشاهده می‌کنیم و سرنوشت‌هایی که دنبال می‌کنیم، در ناخودآگاه ما باقی می‌مانند. آنها نحوه درک ما از موضوعاتی چون قهرمان بودن، امید داشتن، در برابر سختی‌ها ایستادن یا انتخاب راه درست در شرایط دشوار را شکل می‌دهند.

سریال‌های پر مخاطب در حقیقت الگویی برای گفت‌وگوی جمعی درباره مسائل مهم جامعه ایجاد می‌کنند. وقتی مردم درباره یک شخصیت سریالی، یک انتخاب اخلاقی یا یک پایان‌بندی بحث می‌کنند، در واقع در حال تمرین برای تصمیم‌گیری‌های بزرگ‌تر اجتماعی هستند.

در جهان امروز، قدرت روایت و قصه‌گویی چیزی کمتر از قدرت قانونگذاری و سیاست‌گذاری نیست. داستان‌هایی که آتش برای ما روایت می‌شوند، فردایی را می‌سازند که در آن زندگی خواهیم کرد.

● **قصه‌ها از کجا می‌آیند، به کجا می‌روند؟**

باید گفت که سریال‌های بیش از آنکه صرفاً سرگرمی باشند، بخشی از کنش فرهنگی و اجتماعی‌اند. سازندگان آنها، دانسته یا نادانسته، در حال ترسیم آینده‌اند؛ آینده‌ای که در آن نگاه ما به عدالت، به سیاست، به مردم و حتی به خودمان، در آینه این قصه‌ها بازتاب می‌یابد.

اینکه کدام قصه‌ها ماندگار می‌شوند و کدام روایت‌ها دل مردم را تسخیر می‌کنند، فقط به جذابیت ظاهری یا بازی‌های هنرمندانه محدود نیست؛ قصه‌هایی در خاطر ما می‌مانند که در دل‌شان، با دغدغه‌ها، آرمان‌ها و امیدها و ترس‌های ما پیوند خورده باشد. سریال‌ها هر شب برای ما داستان می‌گویند؛ داستان‌هایی که شاید بیش از آنچه گمان می‌کنیم، سیاست آینده را شکل می‌دهند.

بابک نبی
هفت صبح

امروز دیگر سیاست تنها در صحن علنی مجلس، پشت درهای بسته اتاق‌های فکر یا در سخنرانی‌های رسمی جریان ندارد. دنیای امروز، عرصه‌های تازه‌ای برای شکل‌دهی به افکار عمومی پیدا کرده است. یکی از مهم‌ترین این عرصه‌ها، صفحه تلویزیون و پلتفرم‌های نمایش خانگی است. جایی که سریال‌های پر مخاطب، آرام و بی‌صدا، نگاه ما به جامعه، قدرت، عدالت و حتی آینده را تغییر می‌دهند.

هر شب که مقابل صفحه تلویزیون یا موبایل‌مان می‌نشینیم و غرق قصه‌ها می‌شویم، در حقیقت وارد میدان نریم از شکل‌دهی به افکار عمومی می‌شویم؛ میدانی که بازیگران آن، نویسندگان، کارگردانان و تهیه‌کنندگانی هستند که با روایت‌های خود، مفاهیم کلیدی سیاست و اجتماع را بازتعریف می‌کنند.

● **سیاست در دل قصه‌ها**

تأثیر سریال‌ها بر نگرش سیاسی مردم، پدیده‌ای تازه نیست؛ اما امروز با افزایش سرعت انتشار محتوا و دسترسی وسیع به شبکه‌های نمایش خانگی، این تأثیر شدت گرفته است. دیگر نیازی نیست که سریالی آشکارا سیاسی باشد تا بر ذهنیت تماشاگر اثر بگذارد. گاهی یک داستان عاشقانه در پس‌زمینه بحران‌های اجتماعی، یک روایت مممایی از فساد یا حتی قصه‌ای خانوادگی از امید و مقاومت، می‌تواند ذهن ما را درباره مفاهیم مهمی چون عدالت، اعتماد عمومی، نقش دولت و اهمیت انسجام اجتماعی شکل دهد.

در بسیاری از سریال‌های ایرانی، چه آنها که از تلویزیون رسمی پخش می‌شوند و چه آناری که در شبکه‌های خانگی به دست مخاطب می‌رسند، روایت‌هایی از ارزش‌هایی چون فداکاری، ایثار، صبر، هویت ملی و پیوندهای خانوادگی برجسته شده است. این سریال‌ها، آگاهانه یا ناخودآگاه، نوعی جهت‌گیری اجتماعی را به مخاطبان القا می‌کنند؛ گاهی در تأکید بر سنت‌های فرهنگی، گاهی در روایت امید به آینده و گاهی در تبیین خطرات از هم‌گسیختگی اجتماعی.

اما در این میان، نباید از یک واقعیت مهم غافل شد؛ ممکن است برخی سریال‌ها، به ویژه آنهايي که بدون ملاحظات فرهنگی و اجتماعی تولید یا ترجمه و زیرنویس می‌شوند _ ارزش‌های ناسازگار با فرهنگ ایرانی را نیز در ضمیر مخاطب نهادینه کنند. القای سبک زندگی فردگرایانه، عادی‌سازی شکاف‌های اجتماعی، کم‌رنگ کردن ارزش‌های خانواده؛ حتی قهرمان‌سازی از شخصیت‌هایی که نماینده هنجارهای مخرب هستند، نمونه‌هایی از این تأثیرات پنهان‌اند.

به شوق نخستین روز اردیبهشت که به نام **سعدی شیرازی** مسمی یافته است

نقاش سخن

صفحه ۱۲

روایت ۴۰ سال سفر روسای جمهور به استان‌ها

سفر با چمدان وعده

سفرهای استانی با هدف دیدار بی‌واسطه با مردم و پیگیری مشکلات انجام می‌شود. **صفحه ۲**

پرونده‌ای درباره تولیدات سینمایی هالیوود که بازیگران و عوامل را به مرز فروپاشی کشانند

جهنم بر پرده سینما

برخی پروژه‌ها بارها متوقف شدند و تهیه‌کنندگان مجبور به تأمین بودجه مجدد شدند. **صفحه ۴**

دولت، مردم یا بازار؛ چه کسی باید مسئول واردات خودرو باشد؟

گمرک پُر، خیابان خالی

واردات خودرو طی سال‌های اخیر با سیاست‌گذاری اشتباه و نظارت ناکارآمد به نتایجی معکوس برای مردم منجر شده است. **صفحه ۸**

سرنوشت کمپانی متا، مالک فیس‌بوک و اینستاگرام در دادگاه تعیین می‌شود

زاکربرگ، متهم به انحصار

دادگاه آمریکا تلاش می‌کند شرکت متا را به دلیل انحصارطلبی در فضای مجازی تجزیه کند. **صفحه ۱۲**

نسخه‌ای برای فردای بعد از توافق

توافق ایران و آمریکا فرصتی برای بازسازی اقتصادی و اجتماعی با استراتژی‌های هوشمندانه **صفحه ۳**

بوزووچیت انتخاب قابل دفاعی نیست

بازیکنان استقلال باید دنبال تیم باشند **صفحه ۱۱**

در ستایش عاشقان طبیعت

ماجرای نجات ۲۳ قوچ و میش وحشی در هرمزگان چه بود؟ **صفحه ۹**

محبوبیت بی‌سابقه صنعت تسلیحات

صنایع دفاعی اروپا، سرمایه‌گذاران مردمی را مجذوب کرده است. **صفحه ۱۰**

گزارش هفت صبح از تجمع کارکنان مترو مقابل شهرداری تهران

دوروی سکه یک اعتراض

روز گذشته، جمعی از کارکنان شرکت بهره‌برداری مترو با در دست داشتن پلاکاردهایی، مقابل ساختمان شهرداری تهران تجمع کردند. **صفحه ۶**



حافظه خانوادگی، بایگانی بی‌واسطه سیاست در ایران

سیاست، بی‌دعوت وارد زندگی ما شد

دور میز شام، خاطرات خانوادگی اغلب راه خودشان را پیدا می‌کنند. یکی تعریف می‌کند چطور در دوران جنگ سهمیه قند و برنج به خانه‌شان می‌رسید، دیگری یاد روزهایی می‌افتد که پدرش برای گرفتن کوبن نفت، شب تا صبح در صف می‌ماند. گاهی سیاست در این روایت‌ها حضور پررنگی ندارد؛ آرام و خزنده وارد می‌شود، لایه‌لای حرف‌ها جا خوش می‌کند، بدون آنکه کسی قصد تحلیل یا قضاوت داشته باشد.

سیاست در زندگی مردم ایران همیشه حضوری محسوس داشته است. انقلاب، جنگ، تحریم‌ها، انتخابات پرتب و تاب، وعده‌های اقتصادی و اصلاحات اجتماعی؛ اینها فقط تیتَرهای درشت اخبار نبودند. زندگی روزمره را شکل دادند، مسیرها را تغییر دادند و روایت‌های شخصی را رقم زدند. مادر بزرگ مرحوم در میان خاطراتش با دقتی وسواس‌گونه از روزی حرف می‌زد که نانواي محله‌شان سهمیه آرد را دیر آورد. آن روز باران تندی می‌بارید و صف، طولانی‌تر از همیشه بود. دولت وقت گفته بود بحران آرد مدیریت شده، اما آن روز هیچ نانی به خانه‌شان نرسید. سال‌ها بعد، همین خاطره ساده تبدیل شد به نمادی از بی‌اعتمادی به وعده‌های دولتی. نه در قالب یک بیانیه سیاسی، بلکه در قالب یک حس ماندگار در دل خانواده‌ای که می‌ت رسید بار دیگر چیزی کم بیآورد.

سیاست به همین شکل، بی‌سروصدا در حافظه خانواده‌گی نفوذ می‌کند. حضورش در قاب عکس‌های قدیمی، در رادیویی که اخبار ضد و نقیض مخابره می‌کرد، در قبض برق‌هایی که هر سال گران‌تر می‌شد، در مدرسه‌هایی که هر از گاهی رنگ و روی وعده‌های تازه می‌گرفتند، ثبت شده است. روایت‌های کوچک، اما سرشار از نشانه‌هایی که تصویر بزرگ‌تری از سیاست ترسیم می‌کنند. مادرم همیشه می‌گوید: «رای دادن یعنی این که نگذاری دیگران به جایت تصمیم بگیرند.» در جوانی با شور خاصی پای صندوق می‌رفت، حتی اگر ناامید از تغییر واقعی برمی‌گشت. برای او سیاست جایی بیرون از خانه نبود؛ در آشپزخانه حضور داشت، در بزمینی که با کارت سهمیه‌ای می‌زدیم، در یارانه‌ای که گاهی دیر و زود به حساب‌ها می‌نشت.

برخلاف تصور برخی، سیاست فقط دعوی چهره‌ها در تلویزیون یا تیتَر یک روزنامه‌های صبحگاهی نیست. سیاست همان نگرانی مادری است که برای آینده فرزندش نقشه می‌کشد، همان دلپره دانش آموزی است که آینده‌اش را در نتایج کنکور سراسری می‌بیند. سیاست ریشه در تجربه‌های ملموس دارد؛ در روزهایی که مردم طعم سختی را با گوشت و پوست‌شان حس کردند یا لبخند زدند به تغییر کوچکی که از راه رسید. حافظه خانوادگی ما پر است از خاطرات ریز و درشتی که هر کدام به نحوی، نتیجه تصمیمات مردانی در اتاق‌های بلندمرتبیه بوده‌اند. پسر خاله‌ام هنوز از روزی می‌گوید که در مدرسه به خاطر نپوشیدن روپوش توبیخ شد. دوستم تعریف می‌کند پدرش برای گرفتن یک وام کوچک چه راه طولانی و بی‌نتیجه‌ای طی کرد. حتی شادی‌های جمعی، مثل صعود تیم ملی به جام جهانی یا آزادسازی خرمشهر، با رنگی از سیاست در ذهن مردم حک شده است.

سیاست خودش را به زور به زندگی مردم تحمیل نکرده، آرام‌آرام در تار و پود روایت‌هایشان ریشه دوامده. گاهی با امید همراه بوده، گاهی با خشم و بی‌اعتمادی. بعضی خانواده‌ها خاطرات شیرین‌تری دارند؛ پروژه‌ای که افتتاح شد، جاده‌ای که ساخته شد یا وامی که گرهی از کارشان باز کرد. برخی دیگر زخم خورده‌اند از تصمیماتی که دور از چشم‌شان گرفته شد. در این میان، چیزی که در حافظه مشترک مردم ایران دوام آورده، تجربه زندگی در سایه سیاست است. نه قدرتی انتزاعی و دوردست، بلکه قدرتی که مستقیماً خانه‌هایشان را، سفره‌هایشان را، آرزوهایشان را لمس کرده، روایت‌های کوچک خانوادگی، تاریخ شفاهی سیاست در این سرزمین است.

سفره ناهار که جمع می‌شود، چای که ریخته می‌شود، دوباره حرف‌ها به خاطره‌ای دیگر می‌رسد. به روزی که امید در دل داشتند، به شبی که از شنیدن خبر تورم ناامید شدند، به لحظه‌ای که جلوی تلویزیون نشنند و نتیجه یک انتخابات را با دلپره دنبال کردند و با رای آوردن کاندیدی مورد نظرشان یک لبخند بر لبانشان نقش بست. سیاست در ایران چیزی فراتر از بازی نخبگان است. در هر خاطره‌ای که بازگو می‌شود، در هر خنده و حسرتی که میان اعضای خانواده رد و بدل می‌شود، رد پای سیاست دیده می‌شود. سیاست، در این روایت‌های کوچک معنا پیدا می‌کند؛ در حافظه‌ای که نه فراموش می‌کند و نه بی‌تفاوت می‌ماند.

از وعده تا واقعیت، روایت ۴۰ سال سفر روسای جمهور به استان‌ها

سفر با چمدان وعده

سفرهای استانی با هدف دیدار بی‌واسطه با مردم و پیگیری مشکلات انجام می‌شود



ایمان برین
روزنامه نگار

روستای کوچک «گل‌خی» در سیستان و بلوچستان، زمستان ۱۴۰۳: پیر مردان و جوانان روستا در حیاط گلی خانه‌ای جمع شده‌اند و چشم انتظار مهمان بلندپایه‌ای هستند. ناگهان هیاهو در می‌گیرد؛ رئیس‌جمهور وارد روستا می‌شود. کسی باور نمی‌کند این همان پزشکی است که پنجاه سال پیش در همین روستا خدمت سربازی کرده بود. مردمی که او را به نام «کوچک «مسعود» می‌شناسند، با خوشحالی به استقبالش می‌روند و خاطرات قدیم را مرور می‌کنند. این صحنه دیدار مستقیم رئیس‌جمهور با مردم عادی یادآور سنت دیربنی است که در جمهوری اسلامی شکل گرفته: سفرهای استانی روسای جمهور و حضور بی‌واسطه آنان در میان مردم.



سنت سفرهای استانی؛ پلی میان دولت و ملت

پس از انقلاب، ارتباط مستقیم مسئولان با مردم اهمیت ویژه‌ای یافت. در سال‌های جنگ تحمیلی و بازسازی، سرکشی رهبران و مسئولان به استان‌ها عمدتاً با هدف دلجویی از مردم جنگ‌زده و پیگیری پروژه‌های عمرانی بود. با این حال، سفرهای استانی به شکل یک رويه مدون و منظم در دوره‌های بعد پررنگ‌تر شد. روسای‌جمهور پیشین نیز به استان‌ها سفر می‌کردند، اما معمولاً با همراهی چند وزیر و برای بازدید محدود از پروژه‌ها و جلسات اداری. در دهه ۱۳۷۰، دولت‌ها دفتري برای رسیدگی به مناطق محروم در نهاد ریاست‌جمهوری ایجاد کردند و بودجه‌هایی به آن اختصاص می‌یافت. سیدمحمد خاتمی (۱۳۷۴-۱۳۸۴) نیز در دوران اصلاحات دیدارهای استانی داشت؛ او در سفرهای خود اغلب به مراکز استان‌ها می‌رفت و پای صحبت مسئولان محلی می‌نشت. هرچند خاتمی اهل شور و هیجان پوپولیستی نبود، اما ارزش این ارتباط را می‌دانست. وقتی در سال ۱۳۸۷ زمزمه بازگشت او به رقابت انتخاباتی شنیده شد، سفرهای استانی‌اش آغاز گردید و همین امر واکنش تند رقبایش را برانگیخت. روزنامه کیهان در اسفند ۱۳۸۷ این سفرهای انتخاباتی خاتمی را به استناد قانون، «خلاف صریح قانون» خواند و او را به تبلیغات زودرس متهم کرد. این چنجال‌نشان داد که سفر به استان‌ها تا چه حد اقدامی سیاسی اثرگذار تلقی می‌شود که می‌تواند کفه رقابت را جابه‌جا کند.

احمدی‌نژاد و اوج‌گیری سفرهای مردمی

با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴، سنت سفر استانی وارد مرحله تازه‌ای شد. احمدی‌نژاد سفرهای استانی را به برنامه‌ای منظم و پرشور تبدیل کرد که در چند دور تمامی ۳۱ استان کشور را دربر گرفت. او علاوه بر خود، تمام اعضای کابینه را به شهرهای مختلف می‌برد و جلسات دولت را به دل مناطق محروم می‌کشاند. برای نخستین بار، دیدن رئیس‌جمهور که بی‌تکلف روی زمین در بین روستاییان می‌نشیند یا در مناطق دورافتاده سرزده به یک روستا وارد

می‌شود به واقعیتی رایج بدل شد. هدف اعلامی روشن بود: شنیدن بی‌واسطه مشکلات مردم و تصمیم‌گیری در محل. حامیان دولت نهم این اقدام را «پدیده‌ای نو» و مصداق مردمی‌بودن دولت معرفی کردند. به اذعان مسئولان دفتر مناطق محروم ریاست‌جمهوری، ارتباط نزدیک دولت با مردم باعث شد مشکلات از زبان خود آنها شنیده نشود نه صرفاً از گزارش‌های پشت‌میز. حتی رهبر انقلاب نیز از این ابتکار حمایت قاطع کرد و در سال ۱۳۸۶ آن را «اقدامی بسیار خوب و ارزشمند» دانست که دولت را با حقایق کشور آشنا می‌کند. اماری دیگر این حرکت، وعده‌های بزرگ و انتظارات سنگین بود. احمدی‌نژاد در هر سفر دهه‌ها مصوبه و طرح عمرانی تصویب می‌کرد که اجرای کامل آنها از توان بودجه و امکانات کشور خارج بود. بنا به گزارش دولت بعدی، در هشت سال دولت‌های نهم و دهم بیش از ۲۱۱ هزار میلیارد تومان تعهد در سفرها ایجاد شد که تا پایان دولت تنها ۳۲ درصد آن محقق گردید. خود احمدی‌نژاد نیز در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری دولت نهم اذعان داشت «سالانه مسافرت‌های بی‌جهت و بی‌فایده دولت بیش از ۵۰۰ میلیون دلار خرج روی دست ملت می‌گذارد» که با رفتارهای بعدی او بسیار متناقض بود. مخالفان سیاسی او را متهم می‌کردند که با سفرها و بخش پول نفت «هزاران نفر را دنبال خودروی خود به خیابان می‌کشاند» و تصمیماتی می‌گیرد که بسیاری از آنها بدون کار کارشناسی می‌مانند. با این وجود، فضای رسانه‌ای داخلی در آن سال‌ها عمدتاً از زاویه مثبت به این سفرها می‌نگریست. دوربین‌های صداوسیما انبوه جمعیت مشتاق در ورزشگاه‌ها را نشان می‌دادند که برای دیدن رئیس‌جمهور آمده‌اند و نامه‌های درخواست‌شان را روی سر گرفته‌اند. احمدی‌نژاد هم با لباس ساده و ادبیات عامه‌پسند، تصویری از «رئیس‌جمهور کوچه‌بازاری» ارائه می‌داد. این هويت چنان را او عجیب شد که هنوز هم سفرهای استانی تداعی‌کننده نام احمدی‌نژاد است.

از اعتدال تا مردمی‌گرایی دوباره: تجربه روحانی و رئیسی

انتخابات ۱۳۹۲ ورق را برگرداند. حسن روحانی با شعار اعتدال و عقلانیت برنده شد؛ رای مردم به مسیری متفاوت از احمدی‌نژاد بود. دولت روحانی در ابتدای کار سعی کرد رويه سفرهای استانی را اصلاح کند. مشاوران او حتی نام «سفر استانی» را کنار گذاشتند و عنوان «کاروان تدبیر و امید» به‌گزیدند. تفاوت رویکرد روحانی محسوس بود؛ او عمدتاً به مرکز استان‌ها می‌رفت، بسیاری پروژه‌ها را از طریق ویدئوکنفرانس افتتاح می‌کرد و از بردن همه وزیران خودداری نمود. رئیس دفتر معاون اجرایی رئیس‌جمهور در آن زمان صراحتاً اعلام کرد «نه نامهای می‌گیریم و نه ملاقات مردمی داریم؛ قرار نیست مانند قبل انبوه نامه‌های درخواستی جمع‌آوری شود و وعده‌های نغسندي داده شود». همچنین تأکید شد مصوبات بی‌شمار و بدون پشتوانه پرهمز گرد تا باری بر دوش دولت نگذارند. این تغییرات نشان از درس‌گیری دولت یازدهم از تجربه‌های گذشته داشت. با این حال، در عمل روحانی نیز به کلی از سایه رفتار احمدی‌نژاد خارج نشد. استقبال‌های مردمی هرچند محدودتر، اما همچنان با بسجج نیروهای محلی به‌گزار می‌شد.

گزارش تحلیلی

حسینعلی بیگ بیات: صدای ایران صفوی در دربار پاپ

● روایت سفیری که گفت‌وگو با غرب را در اوج منازعات مذهبی ممکن کرد

مهدی خاکی‌فیروز | اوایل سده یازدهم

هجری، ایران صفوی با تهدید دائمی عثمانی‌ها از غرب مواجه بود. سیاست خارجی شاه عباس اول، دیگر درون‌گرایانه نبود. او به‌دنبال راهی برای عبور از حصار جغرافیایی شرق و ورود به گفت‌وگو با اروپا بود. در میانه این تغییر، نام حسینعلی بیگ بیات بر پیشانی تاریخ دیپلماسی ایران نشست؛ نخستین سفیر رسمی ایران در اروپای غربی، که مأموریتی بلندپروازانه را بر دوش گرفت.

از قزوین تا واتیکان

در حدود سال ۹۸۰ هجری شمسی (معادل با ۱۶۰۱ میلادی)، کاروانی ایرانی به رهبری حسینعلی بیگ از قزوین به سوی اروپا حرکت کرد. شاه عباس او را مأمور کرده بود که در دربار‌های کاتولیک، از جمله واتیکان، ونیز و لهستان، امکان ائتلافی مشترک علیه امپراتوری عثمانی را بیازماید.

مسیر او از قفقاز تا استانبول، از آنجا به دریای سیاه و سپس مدیترانه بود؛ راهی پرفراز و نشیب که حامل امیدهای یک امپراتوری تازه‌منفس بود برای دیده شدن در عرصه جهانی.

سفیر، آینه یک تمدن

نه‌فقط نماینده یک دولت، که چهره‌ای از یک

سفرهای استانی اکنون به بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت سیاسی روسای‌جمهور ایران تبدیل شده‌است. هر دولت تازه تأسیس خود را موظف می‌داند که این سنت را ادامه دهد و البته به شیوه خود تفسیر کند.



۳۳

اکنون پس از قریب به چهار دهه تجربه، سفرهای استانی به سنتی تثبیت‌شده در سیاست‌ورزی ایران بدل شده‌است. از اصلاح‌طلب تا اصولگرا، هر رئیس‌جمهوری کوشیده است به نحوی «رئیس‌جمهور همه مردم» در اقصی نقاط کشور جلوه کند.

روحانسی در سال‌های پایانی دور اول ریاست‌جمهوری خود قدری از محافظه‌کاری اولیه فاصله گرفت؛ مثلاً در آخرین سفرش به آذربایجان غربی علاوه بر مرکز استان، در شهر مهاباد نیز در جمع مردم حاضر شد. به هر روی، عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم ثابت کرد که سفر استانی چنان نهادینه شده که حتی یک



رئیس‌جمهور متمایل به تکنوکراسی نیز نمی‌تواند آن را به طور کامل کنار بگذارد. ساختار دولتی سیزدهم، سفرهای استانی بار دیگر جان تازه‌ای گرفت. مرحوم ابراهیم رئیسی که با شعار «دولت مردمی» به قدرت رسید، در همان چهل روز نخست ریاست‌جمهوری خود به ۱۵ استان سفر کرد و رکوردی تاریخی برجا گذاشت. این سفرهای پر تعداد هفتگی نشان داد دولت سیزدهم اعتمادسازی میان اقشار مختلف را در گرو همین ارتباط‌رودرو می‌بیند.

نمایش قدرت یا خدمت صادقانه؟ اثرات رسانه‌ای و سیاسی

سفرهای استانی اکنون به بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت سیاسی روسای‌جمهور ایران تبدیل شده است. هر دولت تازه تأسیس خود را موظف می‌داند که این سنت را ادامه دهد و البته به شیوه خود تفسیر کند. دولت چهاردهم که به عنوان «دولت وفاق ملی» به سر کار آمده نیز از این قاعده مستثنا نیست. مسعود پزشکیان، در همین مدت کوتاه آغاز به کار دولتش، چندین سفر استانی پیاپی انجام داده است. دولت پزشکیان مأموریت خود را التیام شکاف‌ها و مشکلات انباشته تعریف کرده و «تقمتان عدالت و انصاف را سر لوحه قرار داده است.

از دید یاران او، «مردم بزرگ‌ترین عامل موفقیت دکتر پزشکیان بوده‌اند» و رضایت مردم باید مهم‌ترین شاخص ارزیابی مدیران باشد. بنابراین ارتباط نزدیک و بی‌واسطه با مردم در این دولت گویا به عنوان یک نمایش سیاسی نیست و ابزار اضعه مشروعیت‌بخشی نیز به شمار می‌رود. تصویری که رسانه‌ها از رئیس‌جمهور جدید می‌سازند، پزشکیانی است که با لباس خاکی به میان روستاییان می‌رود و در همان اتاق‌های گلی که روزگاری سرباز جوانی با شدند و هم کاتال ارتباطی ملت. به بهترین حالت، تصمیم‌های میدانی در استان‌ها باعث تسریع پروژه‌های معطل مانده و رفع محرومیت مناطق دورافتاده می‌شود. در بدترین حالت، انبوه مصوبات کاغذی و کارناوال‌های زودگذر بر جای می‌ماند که تنها توقعات را بالا می‌برد. حقیقت آن است که افکار عمومی ایران قدر ارتباط بی‌واسطه را می‌داند و از دیدن عالی‌ترین مقام اجرایی در شهر و دیار خود احساس احترام می‌کند. اما همان مردم انتظار دارند که نتیجه عینی این آموشده‌ها را نیز ببینند؛ چه در قالب طرح‌های عمرانی به ثمر نرسیده و چه در قامت کاهش مشکلات معیشتی. به بیان دیگر، سفر استانی زمانی در حافظه جمعی ماندگار می‌شود که وعده‌هایش روی زمین نماند و صرفاً بر صفحه انخاب نقش نبندد. روسای‌جمهور در ایران پس از انقلاب در یافته‌اند که مشروعیت و مقبولیت‌شان تا حد زیادی به تعامل‌شان با مردم گره خورده است. هر یک با سبک و سیاق خاص خود این میراث سیاسی را ادامه داده‌اند و بی‌شک آیندگان نیز برای اثرگذاری بر دل‌ها و ذهن‌ها، بار دیگر چمدان سفر خواهند بست.



۸ پرتزه مذاکره حسینعلی بیگ بیات و پاپ، به کمک هوش مصنوعی و بر اساس اطلاعات مندرج در کتاب‌های تاریخی ساخته شده است

رویداد	سال قمری	سال میلادی	سال خورشیدی
آغاز سلطنت شاه عباس اول	۹۹۶ق	۱۵۸۸م	۹۶۶خ
طرح‌ریزی مأموریت سفیر به اروپا	حدود ۱۰۱۰ق	۱۶۰۱م	۹۸۰خ
حرکت کاروان از قزوین به سمت اروپا	۱۰۱۰ق	۱۶۰۱م	۹۸۰خ
ورود به استانبول و عبور به غرب	۱۰۱۰-۱۰۱۱ق	۱۶۰۱-۱۶۰۲م	۹۸۱-۹۸۰خ
ورود به ونیز	۱۰۱۱ق	۱۶۰۲م	۹۸۱خ
ورود به رم و دیدار با پاپ کلمنت هشتم	۱۰۱۱ق	۱۶۰۲م	۹۸۱خ
ارسال پاسخ پاپ به شاه عباس	۱۰۱۲ق	۱۶۰۳م	۹۸۲خ
بازگشت نمایندگان اروپایی از واتیکان به ایران	۱۰۱۳ق	۱۶۰۴م	۹۸۳خ

دور خیز بانک‌های ایرانی برای بازگشت به بازار اروپا

● با گشایش احتمالی در روابط اقتصادی ایران و جهان، بانک‌هایی که شعب خارجی خود را از دست نداده‌اند، گوی سبقت را از دیگران خواهند ربود؛ فرصتی که تنها در اختیار معدودی از بانک‌های بزرگ باقی‌مانده است

ازاده ابوطالبی هفت‌صبح

در حالی که فضای اقتصادی کشور در آستانه گشایش‌های احتمالی در روابط مالی بین‌المللی قرار گرفته، زیرساخت‌های بانکی خارج از کشور بار دیگر به یکی از موضوعات راهبردی نظام بانکی ایران تبدیل شده است. شعبی که طی سال‌های تحریم به هزینه‌های بالا و فعالیت محدود حفظ شدند، حالا می‌توانند نقش کلیدی در بازگشت سریع و مؤثر بانک‌های ایرانی به بازار اروپا ایفا کنند؛ مزیتی که عمدتاً در اختیار بانک‌هایی همچون صادرات و ملی و تا حدودی ملت، تجارت و سامان باقی‌مانده است. در شرایطی که کشور به بازگشت به نظام مالی جهانی فکر

می‌کند، تنها بانک‌هایی که در دوران سخت، زیرساخت‌های خارجی خود را حفظ کردند، قادر خواهند بود به‌سرعّت وارد عمل شوند. بانک‌هایی مانند صادرات، ملی و سامان، حالا از یک مزیت ساختاری و استراتژیک برخوردارند که می‌تواند فاصله آن‌ها را با سایر رقبا به‌شدت افزایش دهد. در دنیای امروز، شعب بانکی خارجی فقط ابزار خدمات مالی نیستند؛ بلکه ابزار سیاست، تجارت و حتی امنیت ملی‌اند و هر کشوری که در این میدان فعال تر باشد، نفوذ اقتصادی و سیاسی بیشتری خواهد داشت. ایران اگر می‌خواهد به بازار جهانی بازگردد، باید قدر داشته‌هایش را بداند؛ و بدون شک، شعب باقی‌مانده بانک‌های ایرانی در اروپا، یکی از باارزش‌ترین آنهاست.

شعبی که دوام آوردند، حالا جلوتر از رقبا ایستاده‌اند

بازار مالی اروپا، با سابقه‌ای بلند در همکاری با بانک‌های ایرانی قرار گرفته است. چشم‌اندازهای گشایش سیاسی، کاهش احتمالی تحریم‌ها و احیای روابط اقتصادی ایران با غرب، بار دیگر بحث حضور مؤثر در بازارهای بانکی بین‌المللی را به یک موضوع استراتژیک برای بانک‌های ایرانی تبدیل کرده است. اما واقعیت این است که در دوران تحریم‌ها، بسیاری از بانک‌های ایرانی ناچار شدند از فعالیت خارجی خود عقب‌نشینی کنند؛ شعب تعطیل یا تعلیق شدند، مجوزها از اعتبار افتادند و ارتباطات بانکی با سیستم مالی جهانی به پایین‌ترین حد ممکن رسید. با این حال، تعداد معدودی از بانک‌ها، با نگاهی استراتژیک و صبر بلندمدت، تصمیم گرفتند که به‌رغم هزینه‌های سنگین، ساختارهای خارجی خود را حفظ کنند. امروز، در آستانه یک احتمال تغییر مسیر، همین بانک‌ها در موقعیتی کاملاً برتر برای بازگشت سریع، کم‌هزینه و مؤثر قرار دارند.

صادرات و ملی؛ پایدارترین شبکه بانکی ایران در خارج از کشور

در میان تمام بانک‌های ایرانی، بانک‌های صادرات و ملی بی‌تردید گسترده‌ترین و فعال‌ترین حضور خارجی را در اختیار دارد. این بانک صادرات در حال حاضر بیش از ۱۰ شعبه در اروپا دارد. از جمله مهم‌ترین این شعب می‌توان به دفاتر لندن، هامبورگ، پاریس، آتن، وین و بیروت اشاره کرد. هر چند این بانک، بیش از انقلاب حدود ۵۰ شعبه خارجی داشت. بانک ملی ایران نیز دارای شعبی در فرانسه (پاریس)،

عمل سرمایه‌گذاری‌های آینده‌نگرانه بوده‌اند. برخلاف سایر بانک‌ها که برای ورود دوباره به بازار جهانی باید از ابتدا شروع کنند، این بانک‌ها می‌توانند با کمترین بروکراسی و در زمان کوتاه، عملیات بانکی خود را در سطح بین‌المللی احیا کنند.

۱- اخذ مجوز از بانک مرکزی ایران: شامل بررسی منابع ارزی، توجیه اقتصادی، بررسی ساختار مدیریتی و میزان آمادگی فنی بانک برای فعالیت بین‌المللی.

۲- اخذ مجوز از بانک مرکزی کشور مقصد: کشور مقصد معمولاً نیاز به اثبات شفافیت، انطباق با استانداردهای ضد پولشویی، گزارش‌های مالی حسابرسی‌شده و بررسی پیشینه مدیریتی بانک دارد که شاید حتی پیچیده‌تر از مجوزهای داخلی باشد.

طهماسبی اظهار می‌کند که بانک مرکزی در گفت‌وگوی دو سال پیش خود با ماهنامه نگاه‌نوا، از مصاحبه‌های تخصصی مسئولان بانک مرکزی افغانستان با مدیران محلی شعب بانک‌های ایرانی سخن گفت. فرآیندهای مجوزگیری داخلی و خارجی، در بهترین حالت، دست‌کم دو سال زمان می‌برد و این در شرایطی است که روابط دیپلماتیک مساعد و فضای بین‌المللی همکاری‌جویانه باشد. حال اگر تصور کنیم که کشور مقصد با ایران روابط محدود دارد، یا بانک‌های ایرانی همچنان در فهرست تحریم‌ها هستند، این روند می‌تواند به کلی متوقف یا بی‌نتیجه شود. در چنین شرایطی، بانک‌هایی که شعبه فعال یا نیمه‌فعال دارند، در موقعیتی بنظیر قرار دارند. زیرا دیگر نیازی به طی مسیر زمان‌بر اخذ مجوز ندارند و چارچوب حقوقی و

اداری‌شان از قبل آماده است و تنها به تقویت عملیاتی نیاز دارند.

تجربه بانک سامان؛ از فرانکفورت تا سراسر دنیا با یک شعبه

بانک سامان یکی از معدود بانک‌های خصوصی ایران است که در مسیر راه‌اندازی شعبه در اروپا گام‌های عملیاتی برداشت و موفق شد پس از نزدیک به پنج سال تلاش مستمر، شعبه خود را در فرانکفورت آلمان تأسیس کند. این فرآیند شامل مذاکرات فشرده با نهادهای نظارتی آلمانی، ارائه مستندات گسترده، استخدام نیروهای بومی و طراحی ساختار تطبیق با مقررات بین‌المللی بود. امروز این شعبه، به‌رغم کوچک‌بودن، نقشی حیاتی در تأمین ارز دارو، غذا و سایر اقلام اساسی کشور ایفا می‌کند و به‌نوعی مرکز عملیات بین‌المللی بانک سامان شده است. بانک از طریق این نقطه، با ده‌ها بانک در سراسر جهان همکاری دارد، بدون اینکه نیازی به تأسیس چندین شعبه دیگر باشد.

مجوز خارجی می‌خواهید؟ خودتان هم باید مجوز بدهید

واقعیت دیگر که کمتر در تحلیل‌ها به آن اشاره می‌شود، این است که ایران نیز به بانک‌های خارجی به‌سختی مجوز تأسیس شعبه می‌دهد. حتی بانک‌های کشورهای همسایه مانند افغانستان، پاکستان یا عراق تا امروز نتوانسته‌اند در ایران شعبه رسمی داشته باشند. در نتیجه، انتظار اینکه کشورهای دیگر به بانک‌های ایرانی مجوز تأسیس شعبه بدهند، بدون ارائه تسهیلات متقابل، دشوار و بلکه در عمل بعید است. تعامل دوطرفه، اصل کلیدی در دیپلماسی بانکی است که در سال‌های آینده باید به‌صورت جدی‌تر به آن پرداخته شود.

بانک‌های مشترک؛ تجربه‌ای شکست‌خورده یا فرصت‌های احیا؟

در دهه‌های گذشته، تلاش‌هایی برای



تأسیس بانک‌های مشترک ایران با دیگر کشورها صورت گرفت؛ اما تقریباً تمام آنها یا به حالت تعلیق درآمده‌اند یا غیرفعال هستند. بانک مشترک ایران و اروپا اکنون عملاً نقش مؤثری در روابط مالی ندارد و اثرگذاری عملیاتی از آن دیده نمی‌شود. تنها استثنا در این میان، بانک ایران و ونزوئلا است که با وجود تحریم‌ها و مشکلات داخلی ونزوئلا، همچنان فعالیتی محدود و نسبی دارد. اما تجربه نشان می‌دهد که بانک‌های مشترک اگر چه ابزار خوبی برای دیپلماسی مالی هستند، اما بدون ساختار عملیاتی و پشتوانه اقتصادی نمی‌توانند موفق باشند. این در حالی است که در دهه ۵۰ حدود ۱۴ بانک مشترک بین ایران و دیگر کشورها فعالیت داشت که شوروی، مصر و هلند، از جمله این بانک‌های مشترک بودند.

اهمیت نوآوری‌های دیجیتال و رعایت مقررات متقابل با پولشویی

در دنیای امروز، علاوه بر رعایت مقررات بین‌المللی جدید مانند پالرمو، اسناد بازل و دیگر استانداردهای مالی جهانی، توجه به نوآوری‌های دیجیتال نیز به یکی از اولویت‌های کلیدی در بانکداری بین‌المللی تبدیل شده است. بانک‌ها باید ضمن انطباق با مقررات ضد پولشویی و مبارزه با تأمین مالی تروریسم، به سرعت به سوی دیجیتالی شدن فرآیندهای خود حرکت کنند. بانک‌های ایرانی که قصد ورود مجدد به بازارهای بین‌المللی را دارند، باید به این نکته توجه داشته باشند که بانکداری دیجیتال و استفاده از تکنولوژی‌های نوین مانند بلاک‌چین، هوش مصنوعی و سیستم‌های پرداخت آنلاین، امروزه از الزامات اساسی برای رقابت در بازارهای جهانی است. این نوآوری‌ها به افزایش کارایی و سرعت خدمات منجر شده و به بانک‌ها کمک می‌کند تا روابط بانکی شفاف و قابل اعتمادتری با نهادهای بین‌المللی برقرار کنند.



وزیر سابق ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران

وی در دیدار با رئیس کمیسیون اقتصادی جمهوری آذربایجان بر ضرورت برقراری رابطه کارگزار بین بانک‌های دو کشور که بیش از هشت بانک با مالکیت بانک‌های ایرانی در خارج مشغول فعالیت هستند.

عبدالنصر همتی رئیس کل پیشین بانک مرکزی ایران

شهریور ۱۳۹۹: همتی در واکنش به تحریم بانک مرکزی ایران توسط آمریکا، این اقدام را «بی‌اثر» خواند و تأکید کرد که تجارت و مبادلات مالی کشور از راه‌هایی انجام می‌شود که از سوی آمریکا غیرقابل تحریم است.

گزارش وال‌استریت ژورنال

گزارش وال‌استریت ژورنال نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی از طریق شبکه‌ای از شرکت‌های نیابتی، مؤسسات مبادلات ارزی و واسطه‌ها، سالانه ده‌ها میلیارد دلار مبادلات تجاری را انجام می‌دهد.



یادداشت

نسخه‌ای برای فردای بعد از توافق

جعفر تکبیری روزنامه‌نگار

در آستانه روزهای کلیدی مذاکرات تهران و واشنگتن، نگاه‌ها به تأثیرات توافق احتمالی دوخته شده است. ایران در دنیای اقتصاد و سیاست بین‌المللی، با فرصت‌هایی روبه‌روست که به عنوان شروع فصلی جدید در تاریخ خود به‌شمار می‌آید. سال‌ها تحریم، بحران‌های اقتصادی و مشکلات در حوزه سیاست خارجی، موجب شد که کشور با چالش‌های متعدد روبه‌رو شود. اما اکنون که ممکن است در آینده نزدیک توافقی حاصل شود، این فرصت باید به‌طور مؤثر و با استراتژی‌های خاصی برای بازسازی و احیای اقتصاد کشور بهره‌برداری شود.

فرصت حاصل از توافق، همانطور که به‌وضوح قابل مشاهده است، قادر به حل یک‌تنه بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ایران نیست. انچنان‌که در بازسازی یک کشور جنگ‌زده، پایان درگیری‌ها به‌تنهایی راهگشا نیست و باید برنامه بازسازی نیز تدوین و اجرا شود، این توافق نیز بدون برنامه‌ای استراتژیک و منسجم در عرصه اقتصادی، به یک فرصت بی‌ثمر بدل می‌شود. برای عبور از این شرایط و نجات اقتصاد از چالش‌های پیچیده، نیاز به تحولی جدی در فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی داریم که در آن، نهادهای دولتی، بخش خصوصی و تمام اقشار مردم به‌طور هم‌زمان مسئولیت‌پذیر و فعال شوند. در غیر این صورت، ممکن است با وارد شدن به یک فاز جدید، در دام همان اشتباهات قدیمی گرفتار شویم.

مه‌ار تورم

تورم در ایران طی سال‌های اخیر به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصادی تبدیل شده است که تأثیرات آن به وضوح در زندگی مردم مشاهده می‌شود. فشار تورم، بر قدرت خرید خانوارها تأثیر گذار است و از سوی دیگر، باعث ایجاد ناامیدی و افزایش نارضایتی در بین اقشار مختلف جامعه شده است. با توجه به این موضوع، در صورتی که دولت قصد استفاده از فرصت‌های ناشی از توافق را داشته باشد، باید به جنگ جدی با تورم بپردازد و ریل را از بحران بی‌اعتمادی رهایی بخشد. برای این کار، باید ابتدار ریشه‌های تورم شناسایی و کنترل شوند. سیاست‌گذاری‌هایی که بر کاهش قیمت‌ها، کنترل بازار ارز و ایجاد ثبات اقتصادی متمرکز باشند، به بازسازی اعتماد عمومی و تقویت پول ملی کمک می‌کنند. این امر به افزایش قدرت خرید مردم کمک خواهد کرد و به رشد اقتصادی پایدار نیز منجر خواهد شد.

سلامت و بهداشت

در یک جامعه آسیب‌دیده، سلامت و بهداشت به‌عنوان یک ضرورت برای تضمین پایداری اجتماعی و اقتصادی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در کشورهایی که با بحران‌های اقتصادی روبه‌رو هستند، معمولاً بخش بهداشت و درمان یکی از آسیب‌پذیرترین حوزه‌ها به‌شمار می‌رود. برای تحقق اهداف اقتصادی و ایجاد جامعه‌ای کارآمد و مولد، توجه به نیازهای بهداشتی مردم ضروری است. پوشش کامل و هوشمند بیمه سلامت برای اقشار آسیب‌پذیر، به‌ویژه در شرایط بعد از توافق، باید به‌طور ویژه در دستور کار قرار گیرد. ایجاد دسترسی برای همه مردم به خدمات درمانی و بهداشتی و رفع مشکلاتی که از گذشته در این حوزه وجود داشته، به افزایش امید در مردم و بهبود کیفیت زندگی آنها کمک می‌کند. در این مسیر، باید به تقویت زیرساخت‌های بهداشتی، آموزش عمومی در زمینه پیشگیری و بیماری‌های مزمن و حمایت از بیماران در مراحل مختلف درمان توجه ویژه‌ای شود.

عبور از ناترازی انرژی

یکی از چالش‌های مزمن اقتصاد ایران، ناترازی انرژی است که به بهره‌وری اقتصادی تأثیر دارد و به‌طور مستقیم در کیفیت زندگی مردم هم مؤثر است. مصرف بی‌رویه منابع انرژی، به‌ویژه در بخش‌های خانگی و صنعتی و زیرساخت‌های فرسوده، باعث بروز مشکلات اساسی در این حوزه شده است. در کنار این مسائل، فاصله زیاد با تکنولوژی‌های نوین در صنعت انرژی، ایران را از بهره‌برداری بهینه از منابع خود دور کرده است. به منظور عبور از این بحران، باید به به‌کارگیری فناوری‌های نوین، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جدید و توجه به منابع انرژی پاک نظیر انرژی‌های خورشیدی و بادی، به‌ویژه در مناطق محروم، توجه کرد. این اقدامات مشکلات موجود در این حوزه را حل می‌کند و با بهره‌برداری از ظرفیت‌های بومی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، امنیت انرژی کشور را نیز تأمین خواهد کرد.

امنیت غذایی

تأمین غذای سالم و پایدار از دیگر اولویت‌های حیاتی ایران در شرایط پس از توافق است. در یک دنیای پر تنش و متغیر، مسائل مربوط به امنیت غذایی علاوه بر منظر کشاورزی، از لحاظ استراتژیک نیز اهمیت بالایی دارند. کشاورزی و صنعت غذا باید به‌عنوان یک بخش کلیدی در سیاست‌گذاری‌های ملی در نظر گرفته شوند. برای رسیدن به خودکفایی هوشمند در این زمینه، ابتدا باید به نوسازی روش‌های تولید کشاورزی، استفاده از فناوری‌های نوین و توسعه صنایع فرآوری غذایی توجه کرد. همچنین حمایت از کشاورزان، به‌ویژه در بخش‌هایی که در حال حاضر با بحران‌های اقتصادی مواجه‌اند، به تأمین امنیت غذایی و کاهش وابستگی به واردات کمک می‌کند. علاوه بر این، تقویت زیرساخت‌ها و تسهیل فرآیندهای تجاری، زمینه‌ساز بهبود تولیدات داخلی و رقابت‌پذیری آنها در بازارهای جهانی خواهد شد.

نوسازی صنایع

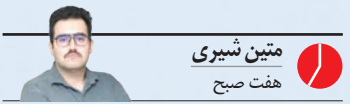
صنایع ایران در بسیاری از بخش‌ها به دلیل مشکلات مختلف، نظیر عدم نوسازی تجهیزات، کمبود سرمایه‌گذاری و وابستگی به روش‌های سنتی تولید، از کارایی لازم برخوردار نیستند. به منظور دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و رقابتی شدن در بازارهای جهانی، نوسازی این صنایع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای این کار، لازم است که دولت به‌طور جدی به دیجیتالی‌سازی و نوآوری‌های صنعتی توجه کند. ارتقای فناوری‌های نوین، افزایش بهره‌وری و ارتقای کیفیت محصولات، این صنایع را به سطح رقابتی جهانی می‌رساند. همچنین به‌کارگیری شیوه‌های مدرن مدیریت منابع و سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی کار ماهر، به ایجاد تغییرات اساسی در فرآیندهای تولید و بهبود کیفیت محصولات منجر می‌شود.

توقف فرار مغزها و سرمایه‌ها

یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی و اقتصادی ایران، فرار مغزها و سرمایه‌ها است. در سال‌های اخیر، تعداد زیادی از نخبگان علمی و کارشناسان برجسته کشور به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی ایران، به خارج مهاجرت کرده‌اند. این روند باعث از دست دادن استعدادهای انسانی می‌شود و بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و رشد اقتصادی کشور نیز تأثیر منفی می‌گذارد. به منظور مقابله با این معضل، باید دلایل مهاجرت نخبگان و سرمایه‌ها به‌دقت مورد بررسی قرار گیرد و سیاست‌هایی برای بازگشت آنها و جذب مجدد سرمایه‌های مالی به کشور ایجاد شود. اصلاحات در سیاست‌های مالیاتی، ایجاد فرصت‌های شغلی و تسهیل شرایط زندگی و کاری برای متخصصان، به بازگشت نخبگان کمک می‌کند و باعث شکوفایی اقتصاد کشور شود.

گمرک پر، خیابان خالی

واردات خودرو طی سال‌های اخیر با سیاست‌گذاری اشتباه و نظارت ناکارآمد به نتایجی معکوس برای مردم منجر شده است



بوده اما متأسفانه این چالش طی یک دهه اخیر بسیار فرساینده شده به نحوی که دیگر اکثر مردم رقیبت چندانی به دنبال کردن اخبار مرتبط با واردات خودرو ندارند. البته این موضوع کاملاً طبیعی است، چرا که این مسئله سال‌هاست همانند توپ فوتبال میان تمام نهادهای حاکمیتی پاس داده می‌شود و تنها در این بین عمر و جوانی مردم با استفاده از خودروهای بی کیفیت، نایمن، قدیمی و حتی در برخی موارد فرسوده از بین می‌رود. از زمان ممنوعیت واردات خودرو در نیمه دوم دهه ۹۰ تا به امروز، مضرات و زیان‌هایی که این ممنوعیت به‌طور مستقیم و آشکار و همچنین غیرمستقیم به مردم و کشور به‌ویژه مصرف‌سوخت منتقل کرده است، به مراتب بیش از آن میزان ارزی بود که اگر طبق برنامه قبلی از کشور خارج می‌شد، از سرمایه‌گذاری کاسته می‌شد.

واردات اقتصادی، گران‌تر از واردات لوکس

سرانجام پس از تصویب آپین‌نامه واردات خودرو در وضعیت بحرانی خودروی کشور در سال ۱۴۰۱، قرار شد تا تنها خودروهای اقتصادی با سقف قیمتی مشخص وارد کشور شوند تا هم بازار داخل کشور به ثبات برسد و همچنین خودروسازان داخلی مجبور شوند تا به دلیل رقابت، کیفیت و تنوع محصولات خود را ارتقا دهند. اما به چند دلیل این واردات موجب ثبات بازار خودروهای اقتصادی نشد، بلکه تبدیل به بدترین دوره واردات خودرو در اتمام ادوار شد.



چهار چرخ

فورد برانکو اسپرت ساسکواچ ۲۵ ۲۰: کوچک‌تر اما یاغی

برانکو یا برانکواسپرت؟

فورد برانکو اسپرت، در تمام این سال‌ها زیر سایه برادر بزرگ‌تر خود یعنی «برانکو» شناخته می‌شد؛ اما حالا با نسخه ساسکواچ ثابت کرده که یک کراس‌اور جسور و تواناست و در مسیرهای آفرودی، می‌تواند هم‌پای شاسی‌بلندهای حرفه‌ای حرکت کند.

طراحی بیرونی و تجهیزات آفرود
در نگاه اول شاید برانکو اسپرت ساسکواچ بیشتر شبیه یک Escape با ارتفاع بیشتر و ظاهر خشن به‌نظر برسد؛ اما با نگاهی دقیق‌تر و موشکافانه‌تر به این محصول جذاب فورد می‌توان به جزئیاتی که این شرکت برای مسیرهای ناهموار و سنگلاخ برای این خودرو در نظر گرفته است پی برد. این خودرو به شکل جذابی تمایز خود را فریاد می‌زند، چراکه در عین کراس‌اور بودن یک آفرودر یاغی و سرکش است. لاستیک‌های آفرودی Goodyear Territory با سایز ۲۹ اینچ، دیفرانسیل عقب قفل‌شونده دوقلو، قطعات محافظ بدنه، قلاب‌های بکسل و راباس سایز کامل، مجموعه‌ای از امکانات آفرود جدی رادر اختیار راننده قرار می‌دهد.

پیش‌رانه و مشخصات فنی

فورد برانکو اسپرت ساسکواچ ۲۰۲۵ با پیش‌رانه ۲ لیتری توربوشارژ چهار سیلندر، قدرت ۲۵۰اسب‌بخار و گشتاور ۳۸۰ نیوتن‌متر را تولید می‌کند. این خودرو مجهز به جعبه‌دنده اتوماتیک هشت‌سرعته است که عملکرد روان و پویایی را در تمام شرایط فراهم می‌کند. سیستم چهارچرخ محرک (AWD) برانکو اسپرت، این کراس‌اور را برای مسیرهای سخت آفرود و جاده‌های ناهموار مناسب می‌سازد. سیستم تعلیق Bilstein، با فاصله کف از زمین ۲۲ سانتی‌متر و همچنین زوایای ورود و خروج عالی باعث شده تا این کراس‌اور کوچک در مسیرهای خارج جاده، چیزی

آمبر

				بیشترین افزایش داخلی	
۱	کوییک اتوماتیک R-۱۴۰۳	+۲۲	۶۷۷میلیون تومان	۱ زامیاد ۱۴۲۴ بنزنی آیشال	۱۴۰۴-۲۲
۲	زامیاد بادرا پلاس بنزنی- ۱۴۰۳	+۳۱	۸۴۰میلیون تومان	۲ رانا پلاس پانوراما	۱۴۰۲-۴
۳	دفا پلاس تیپ ۱ دنده‌ای- ۱۴۰۴	+۱۷	۹۰۷میلیون تومان	۳ کوییک دنده‌ای S-۱۴۰۴	۱۴۰۴-۳
۴	تارا اتوماتیک V۲- ۱۴۰۳	+۱۰	۱۰۵۰میلیون تومان	۴ پژو ۲۰۷ پانوراما اتوماتیک TU۵۱۴۰۴	۱۴۰۲-۲
۵	تارا اتوماتیک V۴- ۱۴۰۴۳۹	+۹	۱۱۵۰میلیون تومان	۵ پژو ۲۰۷i دنده‌ای- ۱۴۰۳	۱۴۰۳-۲

مردم یا دولت؛ کدام بهتر خودرو وارد می‌کنند؟

حال در این شرایط سوال اصلی این است که اگر قرار بود تا با وجود نظارت دولتی و همچنین واردات نظام‌مند توسط سرمایه‌داران و اشخاص حقوقی معتبر، انتهای سرنوشت واردات این باشد که یمت خودروهای داخلی و خارجی به جای کاهش یافتن، افزایش یابد و از سوی دیگر نیز حتی با وجود این افزایش قیمت‌ها وضعیت خودروهای داخلی و خارجی به جای کاهش هیچ تغییری نشود، بهتر نبود تا خود مردم به شدت بی‌اثر و حتی زاینبار نشان داد، مشکل واردات قطره‌چکانی بود. به بیان ساده‌تر، دولت با نظارت بیش از حد و قانون‌گذاری نامتناسب با وضعیت و بدتر از همه عدم رسیدگی فوری به وضعیت گمرکات کشور باعث شد تا در بازار ملتهب و صعودی خودرو، گمرک‌ها پُر از خودروهای وارداتی صفر و از سوی دیگر بازار خودروهای داخل و خیابان‌ها تقریباً خالی از خودروهای وارداتی جدید باشند. تمام این موضوعات در شرایطی اتفاق افتاد که کشور در شدیدترین دوره تحریم‌ها قرار داشت و از سوی دیگر وضعیت معیشت مردم عادی و حتی صاحبان سرمایه نیز دچار مشکل و چالش‌های گسترده بود.



دنده عقب



افسانه‌ای از جنس فولاد و وقار

نگاهی به بیوک الکترامدل ۱۹۷۰

در دنیای خودروهای کلاسیک، برخی‌نام‌ها فراتر از یک نشان ساده هستند، آنها تکه‌ای از تاریخ، نمادی از شکوه مهندسی و تجسم یک سبک زندگی‌اند. بیوک الکترامدل ۱۹۷۰ دقیقاً یکی از همین‌هاست؛ سدان فول‌سایزی که با تلفیق قدرت، وقار و ظرافت آمریکایی، به یکی از ستاره‌های دهه طلایی اتومبیل‌سازی بدل شد. الکترامدل را قامت یک کشتی جاده‌ای، در ست همان چیزی بود که نسل طلایی آمریکایی‌ها از خودروی خانوادگی انتظار داشتند؛ بدنه‌ای کشیده با خطوطی نرم و در عین حال عضلانی، جلوپنجره پهن با تزئینات کرومی چشمگیر و چراغ‌هایی که در دل سپهر غوطه‌ور شده‌اند، تصویری ماندگار از «طراحی باشکوه» دهه ۷۰ را شکل می‌دهد. در واقع الکترامدل تلفیقی از کلاس و قدرت دانسته، ترکیبی که کمتر خودرویی در آن دوران موفق به ارائه‌اش شده بود.

زیرکاپوت این هیولای اصیل، جایی برای موتور افسانه‌ای ۷.۵ لیتری ۷۸ بیوک بود که در نسخه ۲۲۵، چیزی در حدود ۳۷۰اسب‌بخار قدرت تولید می‌کرد؛ عددی که حتی امروزه هم احترام‌برانگیز است. گشتاور تحسین‌برانگیز این

				بیشترین افزایش خارجی	
۱	فوتون تونلند GV-۱۴۰۴	+۱۱۹	۲۷۵میلیون تومان	۱ لاماری ایماهیربرد- ۱۴۰۳	۸۰-
۲	چری آریزو ۵TIE-۱۴۰۲	+۴۰	۱۳۷میلیون تومان	۲ لاماری ایماهیربرد- ۱۴۰۴	۶۰-
۳	دیکتیتی پرایم- ۱۴۰۴	+۳۵	۱۹۹میلیون تومان	۳ کی‌ام‌سی ۱۴۰۲-۱۲	۴۹-
۴	ام‌وی‌ام PRO X۲۲ دنده‌ای- ۱۴۰۲	+۲۰	۹۶۰میلیون تومان	۴ هایما ۵S-۱۴۰۴	۲۰-
۵	هایما S۷ پلاس- ۱۴۰۳	+۱۰	۲۰۰۰میلیون تومان	۵ فیدلیتی پرایم نیو ۷ نفره- ۱۴۰۴	۲۰-

آیا دولت

مسیرش را تغییر داده‌است؟

دولت طی چند سال اخیر و با مواجه شدن با چالش‌های عظیم، به درک اهمیت اقتصاد آزاد و از کوچک کردن هر چه بیشتر دولت رسیده است. این موضوع به خودی خود باعث شده تا حداقل در برخی از تصمیم‌گیری‌ها انعطاف با جای تغییر بیشتری به وجود بیاید. با خصوصی شدن مدیریت ایران خودرو و همچنین از طرفی آگهی‌اعلام بررسی متقاضیان خرید ۴۲۰مصد سهام سایپا، شاید پس از سال‌ها دوباره بتوان با نگاهی کمی متفاوت‌تر و امیدوارانه‌تر به تصمیمات حاکمیتی در مورد صنعت و بازار خودرو نگاه کرد، اما باز هم نباید فراموش کرد که آزاد بودن بازار خودرو به معنای وجود حداکثر تنوع با انتخاب مردم و مصرف‌کنندگان است و نه تصمیم‌گیری مسئولان، چرا که در یک بازار آزاد، هر برند و محصولی که عملکرد مناسب را نداشته باشد، خود توسط مردم به دلیل ناکارآمدیش به شکل خودکار حذف و محو خواهد شد. در چنین شرایطی تنها وظیفه مسئولان، نظارت بر جلوگیری از هرگونه انحصار توسط هر نهاد، شرکت یا حتی شخص است.

چراغ چک

چالش‌های برقی شدن صنعت خودروی ایران

برقی شدن صنعت حمل و نقل ایران آرزویی است که از دو سال پیش حاکمیت ایران آن را به فهرست آرزوهای خود اضافه کرده و با توجه به وضعیت کشور نیز تلاش‌هایی برای به ثمر نشستن آن داشته است؛ اما بزرگ‌ترین چالشی که در برابر این موضوع وجود دارد، دقیقاً مشابه همان چالشی است که طی یک دهه اخیر در برابر ارتقای زیرساخت‌های موجود و ایجاد زیرساخت‌های جدید وجود دارد و آن چیزی نیست جز فاصله عمیق و تقریباً پرناشدنی اقدامات اجرایی با اقدامات لازم و کافی.

به بیان بهتر باید گفت در ایران همواره برای تمام موضوعات همیشه اقداماتی انجام می‌شود و اکثر پروژه‌ها تا حدی بسته به میزان اهمیت آنها پیشرفت می‌کنند اما واقعیت این است که این پروژه‌ها غالباً به نقطه پایان نمی‌رسند. در داستان برقی‌سازی صنعت خودروی ایران نیز این داستان کاملاً صدق می‌کند؛ از زمانی که در شهریور ۱۴۰۲ عباس علی‌آبادی، وزیر وقت صمت و علی‌رضا زاکانی، شهردار تهران اولین جایگاه شارژ خودروهای برقی را در تهران افتتاح کردند تا به امروز، اقداماتی انجام شده است؛ مانند وارد شدن چندصد دستگاه تاکسی برقی به ناوگان حمل‌ونقل عمومی تهران یا واردات خودروهای برقی و کاهش تعرفه واردات آنها و همچنین افزایش تعداد جایگاه‌های شارژ، اما واقعیت این است که اگر دولت به دنبال برقی شدن صنعت خودروی کشور است، اول از همه سرچشمه این چالش را سیراب کند که این به معنای حل نازاری برق و ایجاد و ارتقای ظرفیت تولید برق کشور است، در شرایطی که طی ۴ سال گذشته هر سال میزان قطعی برق واحدهای صنعتی و مسکونی افزایش داشته و از قطعی برق ۲ روز در هفته واحدهای صنعتی آن هم تنها در فصل تابستان به قطعی برق‌های دوره‌ای و مداوم در تمام فصول سال که شامل قطعی برق واحدهای مسکونی نیز شده است، برقی کردن صنعت خودروی کشور تنها اضافه کردن باری مضاعف بر شانه‌های فروت و فرسوده شبکه تولید و توزیع برق کشور است.

از سوی دیگر دولت به خوبی اهمیت خودروهای برقی را درک کرده است؛ در نتیجه این موضوع برای دولت تبدیلی به یک استخوان در گلو شده است و سعی دارد تا با تصویب مصوباتی مانند مصوبه تاسیس اجباری یک استند شارژ خودروی برقی در هر جایگاه سوخت، این معضل را به هر شکلی شده حل کند.

معکوس خوب

نیازمند روغن گیربکس خوب

در دنیای خودرو، بسیاری از مشکلات فنی به دلیل ساده‌ای به وجود می‌آیند؛ سهل‌انگاری در نگهداری و انجام سرویس‌های دوره‌ای، یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که اغلب رانندگان از آن غافل می‌شوند، «تعویض روغن گیربکس» است؛ سرویسی که رعایت آن می‌تواند عمر گیربکس را چندین برابر افزایش دهد و مانع از پرداخت هزینه‌های گزاف تعمیرات شود.

روغن گیربکس وظیفه دارد قطعات داخلی این مجموعه پیچیده را روانکاری کرده، اصطکاک را کاهش دهد و دمای گیربکس را در محدوده استاندارد نگه دارد. اما با گذشت زمان، کیفیت این روغن به‌واسطه گرما، فشار و آلودگی کاهش پیدا می‌کند و دیگر نمی‌تواند به‌درستی از پس وظایف خود بربیاید. عدم تعویض به‌موقع روغن، آسیب‌هایی تدریجی اما هرزینه به‌دنبال خواهد داشت؛ از افت محسوس کیفیت تعویض دنده و لرزش‌های ناگهانی گرفته تا قفل شدن کامل گیربکس و نیاز به تعویض کلی قطعات. نکته قابل توجه در مورد تعویض روغن گیربکس یا هر قطعه‌ای از اجزای سیستم انتقال قدرت این است که اگر تنها یک قطعه ضعیف عمل کند یا قدرت را به میزانی که با ید منتقل نکند، قطعات دیگر با سرعت هر چه بیشتر شروع به مستهلک شدن می‌کنند و در زمانی بسیار کوتاه شما مجبور به تعویض مجموعه‌ای از قطعات سیستم انتقال قدرت خودروی خود می‌شوید.

توصیه کارشناسان این است که بسته به نوع خودرو، نوع روغن و شرایط رانندگی، روغن گیربکس در بازه‌های مشخص شده توسط کارخانه (معمولاً هر ۴۰ تا ۶۰ هزار کیلومتر) تعویض شود. این نکته به‌ویژه برای خودروهای مجهز به گیربکس‌های اتوماتیک اهمیت بیشتری دارد، چراکه حساسیت این نوع گیربکس‌ها به کیفیت روغن بسیار بالاست. به زبان ساده، تعویض به‌موقع روغن گیربکس، یک سرمایه‌گذاری هوشمندانه برای حفظ سلامت خودرو و افزایش عمر مفید آن است؛ اقدامی ساده اما مؤثری که می‌تواند هزینه‌های احتمالی تعمیرگاه را به حداقل برساند و تجربه رانندگی ایمن‌تری برای شما رقم بزند.

کلاس خودرو

میکرو کارها، ناجیان ترافیک کلانشهرها

سگمت «میکروکار» به دسته‌ای از خودروهای بسیار کوچک شهری گفته می‌شود که برای رانندگی در فضاهای شلوغ، خیابان‌های باریک و تردهای روزمره داخل شهر طراحی شده‌اند. این ماشین‌ها معمولاً ابعاد جمع‌وجور، مصرف سوخت پایین و قیمت مناسب دارند. از نظر فنی، میکروکارها اکثراً موتورهای کوچک با حجم کم و قدرت محدود دارند و تمرکز آنها بیشتر روی سادگی، اقتصادی بودن و کاربری آسان است.

میکروکارها در بدو ورود به ایران توسط مردم لقب جاروبرقی را گرفتند اما پس از مدتی و به‌ویژه با نشان دادن اهمیت کاربری‌شان در شهرهای شلوغ نگاه مردم را به خود تا حد زیادی تغییر دادند. حال اگر امروز میکرو کارهای برقی روز دنیا در تیراز بالا وارد کشور شوند، قطعاً این بار مردم به دلیل وضعیت ترافیک و جای پارک به استقبال آنها خواهند رفت.

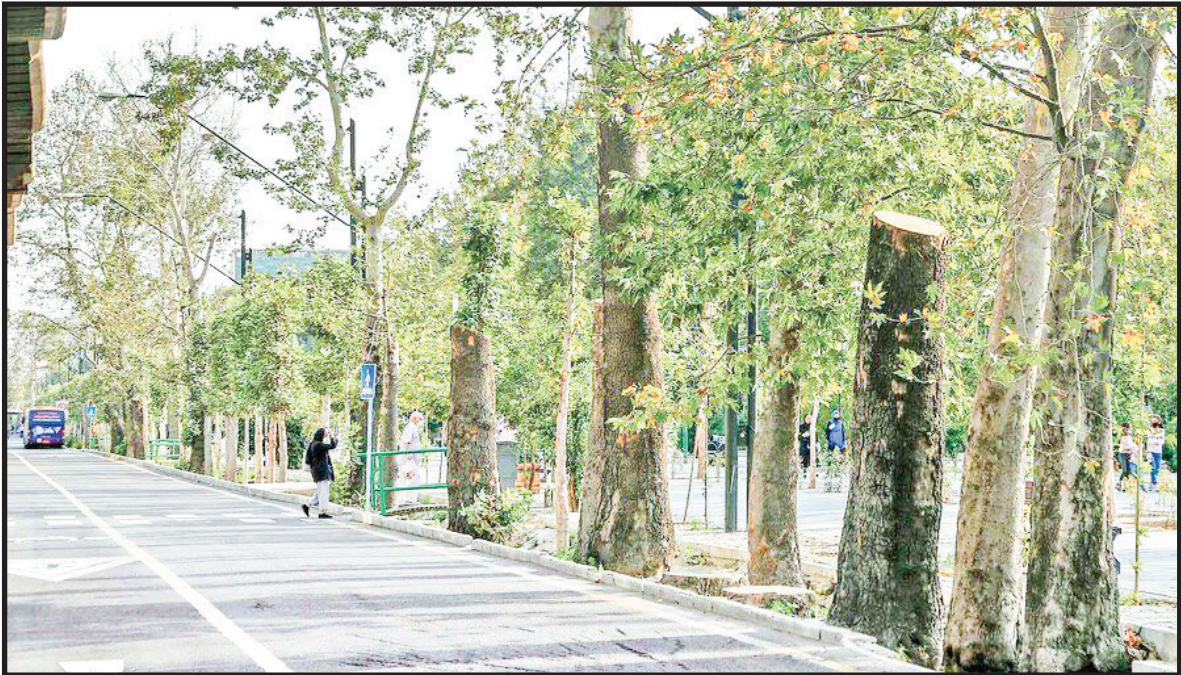
میکرو کارها مخصوص کسانی هستند که در شهرهای پرجمعیت زندگی می‌کنند، جای پارک محدود دارند و به دنبال یک خودروی کم‌خرج برای رفت‌وآمدهای کوتاه روزمره مثل خرید، رفتن به محل کار یا گردش‌های درون‌شهری هستند. یکی از معروف‌ترین نمونه‌های میکرو کار در ایران، دوو ماتیز است. ماتیز با ظاهر بامزه و طراحی ساده، خیلی سریع در دهه ۸۰ بین مردم ایران محبوب شد؛ چراکه دغدغه‌های بزرگی را مثل نبود جای پارک یا مصرف سوخت بالا همراه با دوام و کیفیت خود حل کرده بود. در مجموع، میکروکارها مخصوص کسانی هستند که به دنبال یک ماشین کوچک، کم‌هزینه، کم‌مصرف و مناسب برای ترافیک شهری و پارک در فضاهای تنگ می‌گردند؛ ماشین‌هایی ساده، کاربردی و بدون دردسر برای زندگی روزمره در شهرهای شلوغ.

گزارش هفت‌صبح نشان می‌دهد شهرداری تهران ۱۰۰ درخت دیگر خیابان ولیعصر را برای حذف علامت‌گذاری کرده است

چنارهای تهران در صف مرگ

- کف‌سازی نهرها عامل خشکیدن چنارهای خیابان ولیعصر معرفی شده است

مهتاب جودکی هفت صبح	
چند چنار در بلندترین خیابان تهران باقی مانده است؟ کسی آمار دقیقی ندارد. شهرداری تهران که سال‌هاست پلاک‌گذاری درختان خیابان ولیعصر را به فراموشی سپرده و تمرکزش را بر کف‌سازی نهرها	گذاشته و به تشنگی درختان این موزه زنده توجهی ندارد. آمار جدیدی درباره چنارها نمی‌دهد. آخرین اقدامش در این‌س مورد، قطع بیش از ۱۰۰ درخت با بن بالا در زمستان گذشته و وعده جایگزینی آنها «به‌دلیل خشکیدگی و برای رفع خطر» بوده و اکنون بر تن ۱۰۰ چنار دیگر علامت‌هایی باقی مانده است که نشان می‌دهد بنا بوده این چنارها هم



مشکل اصلی کف‌سازی جوی‌هاست	 حامد پارسی، دبیر کل کانون عالی گسترش فضای سبز و حفظ محیط زیست ایران هم به «هفت‌صبح» می‌گوید: «چنارهای خیابان ولیعصر فقط از چهارراه پارکوی به سمت تجریش باقی مانده و درختان در همین شرایط هم زار و نزار هستند. مشکل درختان خیابان ولیعصر همانی است که ۱۰ سال پیش بود: آبیاری نامنظم، کف‌سازی نهرها، نمک و شنی که بدون ملاحظه خط مترو، قطع ریشه‌ها و خشکاندن عمدی برای نمایش وپرتین‌منازه‌ها، اما از میان همه اینها، سنگفرش کف نهرها مهم‌ترین مشکل است. اگر جای معاون خدمات شهری شهرداری یا مدیرعامل سازمان بوستان‌ها بودم، کمترین
-----------------------------------	--

شهرداری تهران، اسفند پارسال، حکم قطع ۱۰۰ درخت خیابان ولیعصر در فاصله پارکوی تا تجریش را در دست داشت و با همین حکم، شبانه‌ده‌ها درخت را از جای کند. در جریان این کار، شماری از شکل‌های محیط‌زیستی به مسئولان مختلف نامه زدند و خواستار توقف طرح «جایگزینی درختان خشک و افت‌زده ولیعصر با درختان بن‌بالا» از سوی شهرداری شدند. در آن نامه آمده بود: «برخلاف ادعای شهرداری مبنی بر قطع ۱۰۰ چنار خشک تا تاریخ ۱۷ اسفند، تنها در ضلع شرقی خیابان ولیعصر، بین پارکوی تا تجریش، در عرض یک هفته حداقل ۲۰۰ درخت قطع، کنده‌کنی و جایگزین شده‌اند که ناشاف و غیراصولی بودن این‌س فرایند را عیان می‌سازد.» کار به جایی رسید که در آخرین عملیات قطع شبانه در ۲۷ اسفند، یگان حفاظت محیط‌زیست استان پیش آمد و جلوی پیمانکاران را گرفت. از آن زمان خبری از چنارها نیست اما هنوز روی بعضی درخت‌ها علامت‌هایی باقی مانده است.

- درختان دچار تنش آبی شدیدند** میرزا ابراهیمی، کارشناس محیط زیست به «هفت

زیست‌بوم

ببیند و پاچوش‌ها حذف شوند. ممکن است درختان آسیب‌دیده تا سال آینده بخش‌شوند. البته اعتراض و خبرسانی باعث شد کنده‌کنی را متوقف کنند و بعد از آن، فقط کف‌بری کنند. شورای شهر تهران برای توجیه این وضع، روی افت و سرطان رنگی مانور می‌دهد که صحت ندارد و حتی اگر باشد هم راه‌حلش قطع نیست.»

مطالبه این کارشناس محیط زیست و شهروندانی که پای نامه‌ای در همین مورد در سایت کارزار را امضا کرده‌اند، شماره‌گذاری دقیق درختان خیابان ولیعصر است تا درختان پایش‌پذیر باشند و بتوان آمار شفافی از وضعیت آنها داشت. ابراهیمی با اشاره به ضرورت اجرای مصوبات شورای شهر تهران و وزارت میراث فرهنگی درباره ثبت و انتشار عمومی اطلاعات درختان و حفظ درختان ولیعصر، اضافه می‌کند: «شماری از درختان دچار تنش شدید هستند. پوشاندن کف نهرها با سیمان و سنگ و بتن، به‌قدری خاک را نفوذناپذیر کرده که ریشه‌های درختان پوسیده است. در نقاطی از خیابان آب در مقاطع مختلف قطع شده و به درختان رسیده است.»

طبق آمارهای رسمی، تعداد چنارهای خیابان ولیعصر ۲۴ هزار اصله درخت در سال ۱۲۰۱۳۲۴، ۱۲ هزار اصله در سال ۱۳۷۴ و ۸۲۸۸ اصله در سال ۹۰ بود. آمار تازه‌تری وجود ندارد. ابراهیمی می‌گوید طبق شمارش گروهی از فعالان محیط زیست، اکنون در محدوده پارکوی تا تجریش فقط دو هزار چنار سرسبز باقی مانده است.

او تأکید می‌کند که شمار زیادی از چنارهای کهن خیابان ولیعصر در محدوده پارکوی تا چهارراه ولیعصر از دست رفته و به جز موارد معدودی، همگی در پنج، شش سال گذشته، جایگزین شده‌اند: «از پارکوی به پایین در ۱۰ سال گذشته صدها درخت قطع شده است. دلیل این اتفاق قطع طولانی آب به روی این درختان است. اطراف درختی را که سال‌ها در بستر جوی روان رشد کرده، سنگفرش کردند و طرح عجیب آبیاری قطرهای را راه انداختند که هیچ کمکی نکرد. چنارهای خیابان فلسطین هم از بی‌آبی خشکیدند و بعد قطع‌شان کردند. از زمان سنگفرش کردن ندای بلندی از ما بلند نشد و خشکی درختان جلوی چشم ما اتفاق افتاد. حالا باید نگران درختان بازمانده بود.»

- چاره‌جویی برای عبور از تابستان**

سیدحسن ملکشی، عضو هیات علمی بخش تحقیقات بیولوژیک مؤسسه تحقیقات گیاه‌پزشکی کشور هم به «هفت صبح» توضیح می‌دهد: «مواد غذایی موجود در خاک باید با آب حل شود تا مورد استفاده گیاه قرار بگیرد. در بیش از یک دهه گذشته، سال‌به‌سال خشکی حادث و بارندگی‌ها کم شده است. ارتفاعات البرز که ۱۰ سال قبل حتی تا تیرماه برف داشت، اکنون در فروردین برف ندارد و آب مورد نیاز درختان این خیابان هم، از همین نزولات آسمانی تأمین می‌شود. از طرف دیگر سطح سفره‌های آب زیرزمینی بسیار پایین آمده است، قنات‌ها خشکیده‌اند و همه اینها باعث شده آبی به درختان ندهند. درخت بدون آب و در یافت مواد غذایی ضعیف می‌شود. درختان ضعیف کارآیتم‌هایی ترشح می‌کنند که آفات را به سوسوی خود جلب می‌کند و زمینه هجوم آفات چوب‌خوار و پوست‌خوار و سپس خشکی را فراهم می‌آورد، مثل کاج‌های در چیتگر، لوزیان و رهاکار این همه مشکل و زنده ماندن درختان در این شرایط دشوار چیست؟ او می‌گوید: «محیط زیست،



۷

درختان خیابان ولیعصر تشنه‌اند و به آبیاری منظم و خاکی غنی نیاز دارند و با وجود بستر سیمانی و سختی که در آن جای گرفته‌اند، چنین چیزی ممکن نیست

شهرداری، سازمان بوستان‌ها و فضای سبز باید کاری کنند که مدار آبیاری افزایش یابد و ذخیره آبی حفظ شود. برای این کار بستر درخت‌ها باید تغییر کند. ساختمان و بافت خاک باید تغییر کند. شهرداری باید پاییز برگ‌ها را خرد کند و در بستر خاک بگذارد. برگ‌ها حالت اسفنجی به خاک می‌دهد و آب را نگه می‌دارد و به این طریق مدار آبیاری از ۱۰ روز به ۱۵ یا ۲۰ روز می‌رسد. آب در قسمت سایه‌انداز گیاه ذخیره می‌شود و مورد استفاده آن قرار می‌گیرد. اما در نبود این شرایط، درخت‌ها خشکیده‌تر می‌شوند.»

موضوع دیگری که ملکشی به آن اشاره می‌کند، قطع درختان به بهانه کنترل آفات چوب‌خوار است. به گفته او برای نجات درختان افت‌زده، حذف آنها چاره‌ساز نیست: «قدم اول تقویت درخت است. با آبیاری منظم، شیره گیاهی دوباره فعال می‌شود، اجازه رشد لارو آفات را در چوب و پوسته درختان نمی‌دهد و درخت دوباره زنده می‌شود. ضمن اینکه نباید درختان ضعیف را به حال خود رها کنیم یا فقط تقویت‌شان کنیم. باید شاخه‌های خشک درختان ضعیفی که تاج‌شان در حال خشکیدن است، قطع شود تا ریشه توان گذرسانی داشته باشد. باید بستر خاک را اصلاح کنیم تا مواد عالی به گیاهان برسد.

حرف کارشناسان و فعالان محیط زیست یکی است: درختان خیابان ولیعصر تشنه‌اند و به آبیاری منظم و خاکی غنی نیاز دارند و با وجود بستر سیمانی و سختی که در آن جای گرفته‌اند، چنین چیزی ممکن نیست. عضو هیات علمی بخش تحقیقات بیولوژیک مؤسسه تحقیقات گیاه‌پزشکی کشور، به تابستان سخت پیش رو اشاره می‌کند که اگر شهرداری بی‌توجه به آن و بدون شنیدن توصیه‌های کارشناسان روال گذشته را طی کند، شمار دیگری از درختان باقی‌مانده از دست می‌روند: «چاره کار این است که مواد عالی را به بستر گیاهان برسانیم. ما نباید بستر درختان را سیمانی کنیم. باید بسترهای سیمانی را از جوی‌ها برداریم و چاله‌هایی برای چال کوب ایجاد کنیم. اگر این عملیات را انجام دهیم از تابستان می‌گذریم، در غیر این صورت فاجعه گسترده‌تر می‌شود.»

در ستایش عاشقان طبیعت

ماجرای نجات ۲۳ قوچ و میش وحشی در هرمزگان چه بود؟



ماموریت نجات؛ شاید اسم فیلمی که دیروز حسابی در فضای مجازی وایرال شد و تحسین مردم و مسئولان را در پی داشت بتوان ماموریت نجات گذاشت. اگر عاشق طبیعت و حیات وحش هستید و این فیلم را دیده‌اید که هیچ، اما اگر ندیده‌اید حتما ببینید چون حسابی حالتان را خوش می‌کند. ۲۳ رأس کل، بز، قوچ و میش که برای خوردن آب داخل گودالی در روستای صالح آباد بستک گرفتار شده بودند به دست چند جوان محلی نجات پیدا کردند. در پی گزارش وقوع حادثه‌ای ناگوار در ارتفاعات حوزه شهرستان بندر لنگه، ۲۶ رأس قوچ و میش وحشی که برای تأمین آب آشامیدنی به یکی از آبگیرهای طبیعی وارد شده بودند، به دلیل کم‌آبی، وجود گل و لای و عمق بالای گودال در آن گرفتار شدند. این حادثه در روز پنجشنبه ۲۸ فروردین‌ماه رخ داد و با اقدام سریع و مسئولانه چهار نفر از اعضای جوامع محلی، ۲۳ رأس

از این حیوانات نجات یافتند. متأسفانه به‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته، دورأس دیگر به علت گیر افتادن در گل و لای و تقلای زیاد برای راه‌یابی، جان خود را از دست دادند. همچنین یکی از میش‌ها که به شدت بی‌حال و ضعیف شده بود، برای درمان به کلینیک دامپزشکی در شهر بستک منتقل شد. مراحل درمان این حیوان تحت نظر کارشناسان ادامه دارد و پس از بهبودی کامل، مجدداً در زیستگاه طبیعی خود رهاسازی خواهد شد. سازمان حفاظت محیط زیست هرمزگان ضمن تقدیر و تشکر از اقدام مسئولانه و تلاش ارزشمند این عزیزان از جوامع محلی، از عموم مردم و طبیعت‌دوستان تقاضا دارد در صورت مشاهده موارد مشابه، اطلاع‌رسانی به‌موقع صورت پذیرد تا بتوان از بروز حوادث ناگوار برای حیات وحش جلوگیری کرد. با توجه به خشکسالی بی‌سابقه در استان هرمزگان و کاهش منابع آبی در زیستگاه‌های طبیعی، سازمان محیط زیست با همراهی جوامع محلی و همیاران طبیعت، تلاش‌های گسترده‌ای را برای تأمین آب مورد نیاز حیات وحش و جلوگیری از تکرار چنین حوادثی آغاز کرده است.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان ازنا ۱۴۰

نوبت اول

تحت پلاک ۳۵ فرعی از ۴۶ اصلی بخش ۲ از مالکیت (ورثه حسینعلی چم زمانی)
۵- تقاضای آقایان مجتبی و محسن دیناروند چم زمانی فرزندان علی هر کدام بمیزان ۱۰۰۲۶۶ سهم از ۵۲۴۰,۲۷ سهم از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۵۲۴۰,۳۷ متر مربع تحت پتاک ۳۷ فرعی از ۴۶ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت ورثه(حسینعلی چم زمانی)
۶- تقاضای آقایان مجتبی و محسن دیناروند چم زمانی فرزندان علی هر کدام نسبت به ۱۶۱۰,۸۳ سهم مشاع از ۸۴۱۸,۹۹ متر مربع تحت پلاک ۳۶ فرعی از ۴۶ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت (حسینعلی چم زمانی)
۷- تقاضای آقای عارف و خسرو یار احمدی فرزندان رحمن هر کدام نسبت به سه دانگ از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۸۷۶,۱۷ مترمربع تحت پلاک ۳۲۸ فرعی از اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت (محمد فولادوند و حسین موگویی و نادعلی فولادوند)
۸-تقاضای اقای قربانی کوهشاری فرزند علی قلی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت۱۴۱۲,۵۵ مترمربع تحت پلاک ۵۶ فرعی از ۵۶ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت رسمی (علی قلی کوهشاری)
۹- تقاضای آقای عباس دستگردی فرزند نصیر در شش‌دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۰۶,۹۴ متر مربع تحت پلاک ۷۰۳۳ فرعی از ۳۷ فرعی ۲۹ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت رسمی (عزت السادات محسنی سجادی).
۱۰- تقاضای آقای احسان ذوله فرزند علی نقی در شش‌دانگ یکباب عمارت مسکونی به مساحت۲۷۰,۶۵ مترمربع تحت پلاک ۱۷۹۷۲ فرعی مجزی شده از ۱۳۶۸ فرعی از ۳۰ اصلی بخش ۲ خروجی از مالکیت (وحید رضایی)

یوسف خیری

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ازنا

شناسه آگهی: ۱۹۱۴۰۳۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان خرم آباد-سری (۵۳۱) جمعی

نوبت اول

۵ – تقاضای «آقای ابراهیم سپهوند» فرزند «شیرمحمد» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۳۱۳۷,۵۵ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱۹» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شیرمحمد سپهوند»
۶- تقاضای «آقای ابراهیم سپهوند» فرزند «شیرمحمد» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۶۱۰۰,۴۴ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱۶» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شیرمحمد سپهوند»
۷ – تقاضای «آقای ابراهیم سپهوند» فرزند «شیرمحمد» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۲۷۵۵,۸۴ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۲۰» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شیرمحمد سپهوند»
۸ – تقاضای «آقای ابراهیم سپهوند» فرزند «شیرمحمد» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۹۳۷۷,۶۴ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۲۱» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شیرمحمد سپهوند»
۹ – تقاضای «آقای ابراهیم سپهوند» فرزند «شیرمحمد» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۲۲۶۹۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱۷» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شیرمحمد سپهوند»
۱۰- تقاضای «آقای عبدالله پرمونی» فرزند «پایی مراد» نسبت به «دو دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی» و «آقای امین اله پرمونی» فرزند «پایی مراد» نسبت به «دو دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی» و «آقای محمد پرمونی» فرزند «پایی مراد» نسبت به «دو دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۷۶۱,۱۲۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۵» فرعی از «۱» اصلی واقع در بخش «۱۰» خروجی از مالکیت مالک اولیه «فتح اله پرمونی»

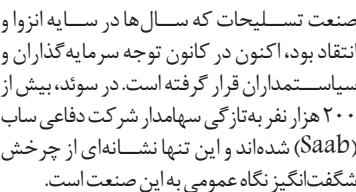
فرشاد بازوندی نژاد

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک خرم آباد

شناسه آگهی: ۱۹۱۰۹۹۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

صنایع دفاعی اروپا، سرمایه‌گذاران مردمی را مجذوب کرده است



از انزوای به آغوش جامعه

برای دهها صنعت تسلیحات در گوشه‌ای تاریک و منزوی از اقتصاد اروپا قرار داشت. دوران کج‌کشتی، تعطیلی نظامی، ادغام‌ها و کوچ‌شدن تولید تسلیحات، این صنعت را به حاشیه‌ای رساند. الزامات اخلاقی نیز باعث شد بانک‌ها، بیمه‌ها و سرمایه‌گذاران از همکاری با شرکت‌های دفاعی امتناع کنند. ابرت لیمرگار، دبیر کل انجمن مشترک امنیت اتمی و دفاعی سوئد، می‌گوید: «تسلیحات را به سویارک سیستم‌های مالی و تجاری کنار می‌انزوا به‌ویژه به دلیل ماهیت حساس تسلیحاتی که برای کشتار طراحی شده‌اند و الزامات محرمانگی بالا تشدید می‌شد.

تحول ژئوپلیتیک و بیداری اروپا

حمله تمام‌عیار روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ نقطه عطفی برای صنعت تسلیحات بود. این بحران، همراه با روی کار آمدن دونالد ترامپ و تأکید او بر خودکفایی دفاعی اروپا، نگاه‌ها را به این صنعت تغییر داد.

سال ۲۰۲۱، کشورهای اتحادیه اروپا بودجه دفاعی خود را بیش از ۵۰ درصد افزایش داده‌اند. فریدریش مرتز، رهبر حزب پیروز انتخابات آلمان، در فوریه ۲۰۲۵ اعلام کرد: «اروپا باید هرچه سریع‌تر تقویت شود تا از وابستگی به آمریکا رها گردد.» این رویکرد، ۲ میلیارد یورو سرمایه جدید را به‌سوی صنعت دفاع سرازیر کرده است. به گفته لیمر گارد، «دیگر مشکل

پینگہ دنیا

منع معاملات سهام توسط نمایندگان کنگره، حربه انتخاباتی دموکرات‌ها برای غلبه بر جمهوری خواهان

دموکرات‌های مجلس نمایندگان آمریکا با تمرکز بر معاملات سهام نمایندگان، استراتژی هوشمندانه‌ای برای انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ طراحی کرده‌اند. این حرکت پس از افشای خرید سهام توسط مار جوری، رئیس‌جمهور، جنجالی به‌طور جدی، خواه جوری، در جریان نوسانات بازار ناشی از سیاست‌های تعرفه‌ای دونالد ترامپ، شبانگرفته است. دموکرات‌ها این معاملات را شانه‌ای از سوءاستفاده احتمالی از اطلاعات محرمانه می‌دانند و با افشای این تصویب قانونی جدید، قصد دارند فشار عمومی را جلب کنند و جمهوری خواهان را در موضع دفاعی قرار دهند.

❶ سوءاستفاده از بازار، فرصتی

برای دموکرات‌ها

نوسانات اخیر بازار سهام که ریشه در تصمیمات غیرمنتظره دونالد ترامپ داشت، به دموکرات‌ها فرصتی طلایی داد. ترامپ ابتدا تعرفه‌های گمرکی ۲۵ درصدی را بر فولاد وارداتی از آمریکا کمرده‌ای اعلام کرد که بازار را به آشوب کشید اما چند روز بعد با عقب‌نشینی از بخشی از این تعرفه‌ها، بازار را به‌طور موقت صعودی کرد. در این میان، گرین سهام‌شهر کت‌های با ماندن تسلداً آمازون و اپل را در زمان افت بازار خرید و پس از اعلام کاهش تعرفه‌ها، سود کلانی به جیب زد. دموکرات‌ها اقدام را مشکوک می‌دانند و معتقدند چنین معاملاتی می‌تواند نشانه دسترسی به اطلاعات غیر عمومی باشد. حکیم فرخ‌پس، رهبر اقلیت دموکرات، با حمایت قاطع از ممنوعیت معاملات سهام فردی توسط نمایندگان، این مسئله را به یکی از اولویت‌های حزب تبدیل کرده است. او باور دارد که این موضع‌نهی تنها ابزاری برای تقویت می‌کند، بلکه عمومی می‌تواند برگ برنده‌ای در انتخابات آینده باشد.



کیوسکی

کمبود سرمایه نیست؛ حالا همه می خواهند
خشی از این جریان باشند.»

ورود سرمایه گذاران بزرگ و کوچک

چرخش نگاه مالی به صنعت تسلیحات تنها به دولت‌ها محدود نشده است. بانک سرمایه‌گذاری اروپا (EIB) که پیش‌تر از تأمین مالی پروژه‌های نظامی منع شده بود، حالا به بازگری کلیدی تبدیل شده است. رابرت د گروت، مسئول بخش دفاع بانک سرمایه‌گذاری اروپا، می‌گوید: «تا سال گذشته، من نمی‌توانید یک نهاد مالی در جیستگاه دفاعی ببینید. حالا بانک‌ها صندوق‌های بازتسلحات می‌دارند.» این بانک اکنون می‌تواند فناوری‌های پیشرفته‌ای مانند پهپادها، نظامی، ماهواره‌ها، تراباطات و امنیت سایبری را سرمایه‌گذاری کرده و هنوز از تولید مستقیم سلاح و مهمات خودداری می‌کند. در سؤدد صندوق سرمایه‌گذاری بانک اسکندانیای از سال ۲۰۲۲ وارد سهام ساب شد و سهام این شرکت از ابتدای ۲۰۲۵ بار شد خیره‌کننده. ۹۰ درصدی، به یکی از محبوب‌ترین

تب و تاب مالی و موانع باقی مانده

شد صنعت تسلیحات تنها به دلایل سیاسی نیست، بی‌شک وابستگی مالی نیز نقش بزرگی دارد. شرکت‌هایی مانند راین‌متال آلمان و ساب سوئد به موتورهای محرک بورس اروپا تبدیل شده‌اند. در آلمان، سرمایه‌گذارانی با عظیم دفاعی به خوشبینی اقتصادی دامنه زده است. با این حال، موانعی باقی مانده‌اند. برای مثال، گواهی زیست‌محیطی «سوان» در سوئد همچنان سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی با بیش از ۵ درصد درآمد از تولید تسلیحات نظامی را ممنوع می‌کند. اما این محدودیت‌ها در برابر موج جدید حمایت‌ها رنگ باختند. لیر گارد تأکید می‌کند: «امروز، صنعت ما تنها به پذیرفته شده، بلکه به یکی از جذاب‌ترین حوزه‌های سرمایه‌گذاری تبدیل شده است.»

آینده‌ای پر رونق برای صنعت دفاع: اروپا در مسیر خروج دکامی

سیر رخ‌نمای صنعت تسلیحات، نشانه‌ای از تغییر

عمیق در اولویت‌های جهانی است. اروپا که دهه‌ها بودجه‌های دفاعی خود را کاهش داده بود، اکنون

با شتابی بی سابقه در حال بازسازی توان نظامی اش

سست این تحول، شرکت‌هایی مانند ساب را به ستاره‌های بازار سهام تبدیل کرده و سرمایه‌گذاران را به کلان راه‌آبه خود جذب کرده است. برای نمونه، ساب که تولیدکننده هوابماهی‌های جی گرپین و سیستم‌های راداری پیشرفته است، در سال ۲۰۲۳ بیش از ۴۵ میلیارد کرون سود سفارش جدید دریافت کرد، از جمله قراردادهای با ناتو و شرکت‌های اروپایی. این موفقیت‌ها، ساب را به یکی از پرطرفدارترین گزینه‌های سرمایه‌گذاران سوئدی تبدیل کرده، به‌طوری‌که بیش از ۲۰۰ هزار نفر، از کارگران بازنشسته‌ها، بخشی از پرتفوی خود سرمایه‌گذاری تنها به ساب محدود می‌ست. شرکت‌هایی مانند این‌متال آلمان که تولیدکننده تانک‌های لوبارد است، سال افزایش ۱۴۰ درصدی ارزش سهام در سال ۲۰۲۳ را به‌دست داد. در سطح کلان، اتحادیه اروپا به نامهای

بلندبروازانه برای سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیارد

بوروی در صنایع دفاعی تا سال ۲۰۲۰ تدوین کرده است که بخش عمده آن به فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی در دفاع، پهبادهای خودکار، سیستم‌های سایبری اختصاص خواهد داشت. این بودجه، همراه با حمایت نهادهای سیاسی و اقتصادی، تضمین‌کننده رشد پایدار این صنعت هستند. با این حال، چالش‌هایی نیز وجود دارد. برخی منتقدان هشدار می‌دهند که تمرکز بیش از حد بر تسلیحات ممکن است منابع را از بخش‌های غیرنظامی مانند آموزش و بهداشت منحرف کند. این تحول، پذیرش گسترده تر نقش صنایع در امنیت مدرن را نشان می‌دهد. از جلسات محرمانه در بروکسل تا کنفرانس سرمایه‌گذاران خرد در سئول، حاکی از آن است که صنعت دفاعی اروپا دیگر یکی از حوزه‌های پردرآمد نیست، بلکه به یکی از پیچیده‌ترین و آینده‌دارترین بخش‌های اقتصاد قاره تبدیل شده است.

عید پاک، بزرگ‌ترین و مقدس‌ترین جشن مسیحیان، نمادی از رستاخیز عیسی مسیح است که هر سال در اولین یکشنبه پس از ماه کامل بعد از اعتدال بهاری (بین ۲۲ مارس تا ۲۵ آوریل) برگزار می‌شود. این عید که ریشه در ایمان به قیام مسیح پس از مصلوب شدن دارد، با آیین‌های معنوی، رسوم خاص و اغلب شاد و سنت‌های باستانی در سراسر جهان گرامی داشته می‌شود. عید پاک تنها یک رویداد دینی، بلکه جشنی فرهنگی است که با تنوع خیره‌کننده‌ای در کشورهای مختلف برگزار می‌شود.

📌 **اہمیت عید پاک**

[illegible]

نگاهی به آداب و رسوم عید پاک

عید پاک یا سنت‌های رنگارنگ همراه با رنگ آمیزی و جوادانگستی، یکی از محبوب‌ترین رسوم است. کودکان در بسیاری از کشورها، از جمله آلمان و آمریکا، به جست‌وجوی تخم‌مرغ‌های رنگین پنهان‌شده توسط «خرگوش عید پاک» می‌پردازند. غذاهای سنتی در جایگاه ویژه‌ای دارند، گوشت در کنار کیک پاسکا و ژامبون در سفره‌های عید دیده می‌شود. در کشورهای اسلاوی نیز سبدهای پر از نان، تخم‌مرغ و گوشت برای تقدیس به کلیسا برده می‌شود.

نحوه برگزاری در کشورهای مختلف

عید پاک در ہر کشور رنگ و بوی

خاص خود را دارد. در ایتالیا، مراسم واتیکان در کلیسای سنت پتر با حضور پاپ، از باشکوه‌ترین رویدادهای جهان است که هزاران زائر را جذب می‌کند. در یونان، مراسم نیمه‌شب پیک در کلیساهای ارتدکس با شمع‌های روشن و آتش‌بازی همراه است و جزیره کورفو با پرتاب کوزه‌های سفالی از بالکن‌ها، جشنی نماینایی دارد. اسپانیا، همانطور که در تصویر می‌بینید، با راهپیمایی‌های فته مقدس در سبیل که مجسمه‌های مذهبی در خیابان‌ها حمل می‌شوند، حال و هوایی عرفانی دارد. در لهستان، سنت آد پانی در دوشنبه پیک جشنی شاد و پریهاو خلق می‌کند. در آمریکا، رژه‌های پیک در نیویورک با کلاه‌های تزئینی و شادی کانه

پر گزار مے، شود۔

◀ کجا دیدنی تر است؟

اگر به دنبال مراسم شلوغ و دیدنی هستید، اَتیکان و سَویول به دلیل عظمت و شکوه بی نظیرند. برای تجربه‌ای سنتی و عرفانی، یوان، اتیوپی به شما هستند. در عین حال، جشن‌های محلی در روستاهای اروپای شرقی، مانند اوکراین و رومانی، با آیین‌های باستانی و صمیمی، حس اصالت را منتقل می‌کنند. عید پاک، فیران از یک جشن مذهبی، پیداست. بیابان‌های شادی با رنگ‌ها، غذاها و آوازه‌ها، اتحاد و امید را در قلب میلیون‌ها نفر زنده نگه می‌دارد. این عید، چه در کلسایهای باشکوه و چه در خانه‌های ساده، داستان از زندگی و تجدید را روایت می‌کند.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



شایعه در هالیوود: جوزف کوزینسکی و بازسازی «میامی وایس»؟

در دنیای پر هیاهوی هالیوود، شایعه‌ای جدید توجه طرفداران سینما و سریال‌های کلاسیک را به خود جلب کرده است: جوزف کوژرینسکی، کارگردان خوشنام فیلم‌های پرفروشی چون «تارگان»؛ «ماوریک»؛ «ترون»؛ «میراث»، ممکن است سکان هدایت پروژه‌ای جدید برای بازسازی «میامی وایس» (Miami Vice) را در دست بگیرد. این خبر که هنوز در حد شایعه است، موجهی است و کنجوازی و همچنان را در میان طرفداران این فرنچایز محبوب دهه ۸۰ میلادی به راه انداخته است. «میامی وایس»، سریال جنایی و درام ساخته آنتونی پرکوویچ و تهیه‌کنندگی مایکل مان، در زمان پیش از نیمه دوم دهه ۹۰ با سبک بصری خیره‌کننده و موسیقی متن تأثیرگذارش، به یکی از نمادهای فرهنگی آن دوران تبدیل شد. این سریال داستان دو کارآگاه متعصب، مسالم، سازگار، کاتک، یک‌پارچه، تان، امارات، که در کوه‌های جنوب شرقیه و

در عین حال خطرناک فعالیت می کردند. موفقیت این سریال منجر به ساخت فیلمی سینمایی در سال ۲۰۰۶ به کارگردانی مایکل مان شد که با بازی کالین فارل و جیمی فاکس، توانست به اندازه سریال اصلی درخشش داشته باشد. حالا، شایعات حاکی از آن است کوز بنسکی که به تازگی مشغول کارگردانی فیلم «ا» (۱) (۲) با بازی بریت پتو، ممکن است نگاهی تازه به این داستان انتخابی داشته باشد. کوز بنسکی که به خاطر توانایی اش در خلق تصاویر بصری ترفندآمیز و روایت‌های اکشن سرشار از هیجان شناخته می‌شود، می‌تواند انتخابی ایده‌آل برای احیای میسایه واپس باشد. او پیش‌تر با پروژه‌هایی مانند تان‌گان: ماوریک نشان داده که می‌تواند حس نوستالژی را با فناوری‌های مدرن و داستان‌گویی امروزی ترکیب کند.

می‌موند فرانسه، تیت‌ر اصلی خود را به سفر می‌دی ونس، معاون دونالد ترامپ به تیکان در عید پاک اختصاص داد و آن شروع جنگ ایمان بین سیاستمداران بری توصیف کرد.

عرب‌نویز عربستان سعودی، در سرمقاله خود از ادامه حملات رژیم اسرائیل به مردم غزه نوشت و این احتمال را مطرح کرد که تمامی گروگان‌های اسرائیل در این حملات کشته شده باشند.



the 1990s, says the World Bank's *World Development Indicators*. The World Bank also says that the number of people living in extreme poverty in the world has increased by 100 million since 1980. The World Bank's *World Development Indicators* also says that the number of people living in extreme poverty in the world has increased by 100 million since 1980.



ورزش ایران وجهان

ا روزنامه صبح ایران | سال چهاردهم | شماره ۴۰۳۱ | دوشنبه | ۱ اردیبهشت | ۱۴۰۴ |

تحت‌بازی

تماشای ستاره‌های آسیا در جده

بازی‌های لیگ نخبگان در کدام شبکه‌ها

علاقه‌مندان به فوتبال آسیا منتظر دیدن مسابقات مرحله نهایی لیگ نخبگان آسیا هستند که در روزهای آینده در جده برگزار می‌شود. این مسابقات از جمعه ۲۵ آوریل (۵ اردیبهشت) آغاز می‌شود و تا ۳مه (۱۳ اردیبهشت) ادامه خواهد داشت. در این دوره، هشت تیم برتر قاره آسیا برای روبرویی‌های حساس به هم می‌پیوندند.

این رقابت‌ها برای اولین بار از سال ۲۰۱۳ به صورت یکپارچه و بدون تقسیمات جغرافیایی برگزار می‌شود و تیم‌های شرق و غرب آسیا به طور هم‌زمان به رقابت خواهند پرداخت.

در این مسابقات، الهلال با گوانگجوی کره جنوبی، النصر با یو کوهامای ژاپن، الاهلی سعودی با بوریرام یونایتد و السد قطر با کاوازاکی فرونتال ژاپن روبرو خواهند شد. تیم‌های برنده این رقابت‌ها به تر تیب با یکدیگر در مرحله نیمه‌نهایی بازی خواهند کرد.

بعد از مرحله یک چهارم نهایی، دو مسابقه نیمه‌نهایی در تاریخ‌های ۲۹ و ۳۰ آوریل در استادیوم ملک عبدالله برگزار خواهد شد و بازی نهایی در ۳ مه انجام خواهد شد.

کانال SSC این تورنمنت را در داخل عربستان سعودی پخش خواهد کرد، در حالی که کانال ابوظبی ورزشی آن را در امارات متحده عربی و کانال چهارم ورزشی در عراق پخش می‌کند. همچنین، کانال‌های beINSports و الکاس پخش این مسابقات را برای کشورهای دیگر از جمله قطر، بحرین، اردن، مصر، تونس، مراکش و سودان انجام خواهند داد.



آرزویی که به تحقق نزدیک است

کریس رونالدو و پسرش در یک تیم

افزایش حدس و آرزوها در میان طرفداران فوتبال، به‌ویژه هواداران باشگاه النصر عربستان، در مورد امکان تحقق رویای دیرینه‌ای که همیشه در ذهن طرفداران فوتبال بوده، یعنی دیدن اسطوره کریستیانو رونالدو در کنار پسرش، کریستیانو جونیور، در یک تیم، به شدت در حال افزایش است.

با ادامه مسیر کریستیانو در میادین فوتبال و پیشرفت سطح پسرش در رده‌های سنی باشگاه، این سناریو اکنون از هر زمان دیگری به واقعیت نزدیک‌تر به نظر می‌رسد.

شش عامل مهم که شانس کریستیانو جونیور را برای بازی در کنار پدرش در تیم النصر افزایش می‌دهند، به این ترتیب است: کریستیانو جونیور اکنون ۱۴ ساله است که این سن به‌طور قابل توجهی به سسن شروع درخشش ستاره جوان اسپانیایی لامین یامال در تیم اول بارسلونا نزدیک است.

درخشش زودهنگام یامال در سطح بالای فوتبال پیمای روشن می‌دهد مبنی بر اینکه استعداد واقعی محدود به سن نیست و بازیکنان جوانی که از نظر بدنی و فنی توانایی‌های لازم را دارند، می‌توانند به تدریج به تیم‌های بزرگ منتقل شوند؛ بنابراین، سن جونیور در حال حاضر کاملاً مناسب برای آغاز آماده‌سازی و تجهیز او برای این گام آینده است. کانال SSC این تورنمنت را در داخل عربستان سعودی پخش خواهد کرد، در حالی که کانال ابوظبی ورزشی آن را در امارات متحده عربی و کانال چهارم ورزشی در عراق پخش می‌کند. همچنین، کانال‌های beINSports و الکاس پخش این مسابقات را برای کشورهای دیگر از جمله قطر، بحرین، اردن، مصر، تونس، مراکش و سودان انجام خواهند داد.



گروه ورزش | در اظهارنظری که بحث و توجه زیادی را در میان دنیای ورزش به دنبال داشت، خبرنگار معروف اسپانیایی، فلیکس دیاز، رئیس تحریریه روزنامه معتبر مارکای اسپانیا، در برنامه «دورینا غیر» اعلام کرد جیانی اینفانتینو، رئیس فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا)، تمایل شدیدی دارد که ستاره پرتغالی، کریستیانو رونالدو، در دوره بعدی جام‌جهانی باشگاه‌ها شرکت کند.

۱۰ باشگاهی که آرزوی داشتن رونالدو را دارند

روایایی که هنوز زنده است

دیاز تأکید کرد این رویا هنوز زنده است و تلاش‌هایی در پشت‌صحنه برای تحقق این حضور بزرگ برای رونالدو در عرصه بین‌المللی باشگاه‌ها در جریان است.

حضور بازیکنی به بزرگی و با کارنامه کریستیانو رونالدو، بهترین گلزن تاریخ فوتبال، در یک تورنمنت جهانی مانند جام‌جهانی باشگاه‌ها می‌تواند بعدی تجاری، فنی و هواداری بی‌سابقه به این مسابقات بیفزاید.

این رویا تنها محدود به رئیس فیفا یا هواداران نیست، بلکه بسیاری از باشگاه‌های بزرگ دنیا نیز به شدت تمایل دارند که در نسخه‌های آینده این رقابت‌ها حضور داشته باشند و آرزو دارند که رونالدو در تیم آنها برای رقابت برسر

این عنوان معتبر جهانی باشد.

در جهانی که در آن رویاها با واقعیت و آرزوها با توانایی‌ها گره خورده‌اند، واقعاً ۱۰ باشگاه بزرگ یا حتی بیشتر وجود دارند که در جام‌جهانی باشگاه‌ها نسخه گسترش یافته شرکت خواهند کرد و می‌توان آنها را تصور کرد که در رویاهای خود رونالدو را برای مدت کوتاهی به تیم‌شان دعوت می‌کنند.

گسترش یافته جام جهانی باشگاه‌ها حضور خواهد داشت. بازگشت رونالدو به باشگاهی که او را به خوبی می‌شناسد، توجه بسیاری را به خود جلب خواهد کرد.

بایرن مونیخ آلمان: یکی از قوی‌ترین باشگاه‌های اروپایی و جهانی که قبلاً به نسخه گسترش یافته جام جهانی باشگاه‌ها راه یافته است. بایرن با نیروی عظیم فوتبالش، با اضافه شدن رونالدو به ترکیب خود، تبدیل به تیمی ترسناک برای هر حریفی خواهد شد.

پاریس سن ژرمن فرانسه: قدرت رو به رشد فوتبال اروپا و یکی از باشگاه‌هایی که به جام جهانی باشگاه‌ها راه یافته است. این باشگاه به خاطر توانایی‌اش در جذب ستارگان بزرگ شناخته می‌شود و تصور یک خط حمله که شامل رونالدو و دیگر ستارگان بی‌اس‌جی باشد، رویای هر مربی است.

فلامینگوی برزیل: غول فوتبال برزیل و لاتین، قهرمان پیشین کوپا لیبر تادورس و نامزد دائمی حضور در جام جهانی باشگاه‌ها.

شور و اشتیاق هواداران فلامینگو برای فوتبال بی‌نظیر است و حضور رونالدو در پیراهن این تیم، یک رویداد فراموش‌نشدنی خواهد بود.

ریور پلاته آرژانتین: یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین باشگاه‌های آمریکای جنوبی، قهرمان پیشین کوپا لیبر تادورس و شرکت‌کننده پیشین در جام جهانی باشگاه‌ها. حضور یک نماد جهانی به بزرگی رونالدو در ترکیب ریور پلاته، بعد تاریخی به مشارکت آنها در این رقابت‌ها خواهد افزود.

کلوب آمریکا مکزیک: محبوب‌ترین و پرافتخارترین باشگاه مکزیک و یکی از نمایندگان دائمی کونساکاف در جام جهانی باشگاه‌ها. جذب ستاره‌ای به بزرگی رونالدو، جایگاه این باشگاه و فوتبال مکزیک را در این رقابت جهانی تقویت خواهد کرد.

اوراوردز دایمونلدر ژاپن: یکی از برجسته‌ترین باشگاه‌های آسیایی که چندین بار به نمایندگی از قاره آسیا در جام جهانی باشگاه‌ها شرکت کرده است،

به عنوان قهرمان لیگ قهرمانان آسیا. اضافه شدن رونالدو به تیم، به این باشگاه قدرت غظیمی برای رقابت در این تورنمنت خواهد بخشید.

اولسان کره جنوبی: قهرمان لیگ قهرمانان آسیا که به جام جهانی باشگاه‌ها راه یافته است. فوتبال کره به خاطر قدرت بدنی و سازماندهی‌اش شناخته می‌شود و تصور اینکه رونالدو رهبری حمله یک تیم گره‌ای را در جام جهانی باشگاه‌ها برعهده بگیرد، سناریویی هیجان‌انگیز است.

روای دیدن کریستیانو رونالدو در جام جهانی باشگاه‌ها، با پیراهن یکی از این‌غول‌ها یا سایر باشگاه‌هایی که در این رقابت‌ها شرکت خواهند کرد، داستانی هیجان‌انگیز است و شایعات را دامن می‌زند.

در دنیای فوتبال، هیچ چیزی غیرممکن نیست، به ویژه وقتی صحبت از یکی از بزرگ‌ترین بازیکنان تاریخ و یک تورنمنت جهانی می‌شود که همیشه در تلاش است تا بهترین‌های خود را ارائه دهد و بزرگ‌ترین ستارگان را جذب کند.

یادداشت

بوژوویج انتخاب قابل دفاعی نیست

بازیکنان استقلال باید دنبال تیم باشند



بهمن طهماسبی
کارشناس فوتبال

استقلال در حال تجربه یکی از سخت‌ترین و بحرانی‌ترین دوران‌های خودش است. شاید عجیب به نظر برسد اما واقعیت این است که ما حالا به بازی‌هایی می‌گوییم «خوب» که صرفاً کمی بهتر از فاجعه‌اند! این نشان می‌دهد اوضاع چقدر آشفته است. تیمی که روزی الگوی ثبات، رقابت و جاه‌طلبی بود، حالا تبدیل شده به مجموعه‌ای بی‌روح، بی‌برنامه و بی‌فرمانده.

در این بازی خاص، شاید نسبت به دیدارهای قبلی کمی بهتر ظاهر شدند اما این «بهتر بودن» اصلاً معیار درستی برای قضاوت نیست. وقتی سقف انتظارات اینقدر پایین آمده، هر حرکت مثبتی بزرگ جلوه می‌کند اما حقیقت این است که تیم نه برنامه دارد، نه انسجام و نه حتی آینده روشن.

در مورد سرمربی هم باید بگویم که از همان ابتدا مشخص بود انتخابی منطقی نبوده. نه رزومه قابل دفاعی داشت، نه سابقه‌ای که بتواند در این بحران کاری از پیش ببرد. نمی‌فهمم در چنین شرایطی چرا چنین انتخابی صورت گرفت. استقلال تیمی نیست که هر کسی به راحتی سکان‌دار آن شود. اینجا جای تجربه و کاریزماست، نه آزمون و خطا.

در این بین صحبت‌هایی هم درباره بزرگ‌ترهای تیم مطرح شده که به نظر من نباید انجام می‌شد. اگر چیزی گفته شده، اشتباه بوده. تیمی مثل استقلال همیشه به بزرگ‌ترهایی نیاز دارد که ستون و تکیه‌گاه باشند، نه اینکه زیر سؤال بروند.

در مورد عملکرد رامین رضائیان باید صادقانه گفت او جزو معدود بازیکنانی است که قابل دفاع است.

تمام توانش را برای تیم می‌گذارد و فعلاً هیچ گزینه‌ای برای جایگزینی‌اش وجود ندارد. نه از بازیکنان جوان به درستی استفاده شده، نه رقابت جدی‌ای در تیم ایجاد شده. وقتی بازیکن بداند که جایش ثابت است، کیفیت افت می‌کند.

همین الان بسیاری از این بازیکنان فصل بعد باید به دنبال تیم جدیدی باشند، چون ادامه این وضعیت هم برای خودشان و هم برای استقلال در دروساز خواهد شد.

در خط حمله شرایط فاجعه است. مهاجمان استقلال روی هم به اندازه انگشتان یک دست هم گل نزده‌اند. این در حالی است که روزی رقابت برای آقای گلی بین مهاجمان استقلال در جریان بود. محمدرضا آزادی با ۲-۳ گل نمی‌تواند مهاجم اول استقلال باشد. زمانی حتی ذخیره‌های ما ۴-۵ گل می‌زدند، این یعنی عمق و رقابت در تیم وجود داشت. حالا ما نه رقابتی هست و نه کیفیتی.

وضعیت تیم از نظر روانی هم مناسب نیست. استقلال امروز یک فرمانده ندارد. بازیکنانی مثل سیدحسین حسینی که هم دروازه‌بان هستند و هم کاپیتان، باید ستون تیم باشند. اما سؤال اینجاست که آیا بازیکنان از او حرف‌شنوی دارند؟ تیم نیاز به رهبری دارد، کسی که بتواند در زمین و رختکن همه را جمع کند.

آیا روزه چشمی و سیدحسین می‌توانند این نقش را ایفا کنند؟ هنوز مشخص نیست.

قطب در دوره‌ای که فرهاد مجیدی آمد، توانست با جمع کردن حواشی تیم را به قهرمانی برساند. اما باقی سال‌ها، اوضاع همین بود: بی‌برنامه، پر از حاشیه و بدون شخصیت تیمی.

استقلال باید هر چه سریع‌تر خودش را بازسازی کند. با این شرایط، نه تنها موفقیتی در کار نیست، بلکه خطر سقوط به میان‌مایگی هم جدی‌تر از همیشه است.

خبر خارجی

کارتلو و چند انتخاب متفاوت

رفتن به سلسائو یا ماندن در مادرید

بر اساس گزارش خبرنگار سرشناس فابریزو رومانو، فدراسیون فوتبال برزیل به‌شدت مصر است که کارلو آنچلوتی سرمربی بعدی تیم ملی این کشور باشد و تلاش دارد تا پیش از آغاز جام جهانی باشگاه‌ها این‌س موضوع را نهایی کند. در همین راستا، فدراسیون فوتبال برزیل نمایندگانی را به مادرید فرستاده تا در آنجا ببانند و مذاکرات را به سرانجام برسانند. پیش‌تر، گزارش‌هایی فاش کرده بودند که فدراسیون فوتبال برزیل علاقه‌مند به جذب این مربی ایتالیایی با تجربه برای هدایت تیم ملی «سلسائو» است؛ به‌ویژه پس از اخراج دوریوال جونیور در ماه گذشته. آنچلوتی در محافل فدراسیون فوتبال برزیل به‌عنوان «روای رئیس» توصیف می‌شود، اشاره‌ای به تمایل دیرینه آیدالدو رودریگز، رئیس فدراسیون، برای به‌دست آوردن او. بر اساس منابع مختلف، آنچلوتی هنوز گزینه‌های متعددی پیش رو دارد، از جمله باقی‌ماندن در ژال مادرید در نقشی غیر از سرمربیگری اما در حال حاضر تمایل اصلی او هدایت تیم ملی برزیل است. با وجود آنکه آنچلوتی در گذشته اعلام کرده بود تنها در صورتی از ژال مادرید جدا خواهد شد که مدیریت باشگاه تصمیم به قطع همکاری بگیرد، مذاکرات با فدراسیون برزیل اکنون وارد مراحل پیشرفته‌ای شده است. گفته می‌شود یکی از نمایندگان فدراسیون برزیل چهارشنبه گذشته در جریان شکست ژال مادرید برابر آرسنال در بازی برگشت مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا، در ورزشگاه حاضر بوده تا در همان هفته با آنچلوتی دیدار کند.

اطمینان ردبول از ادامه کار با قهرمان

فرستاین در تیم می‌ماند

اولیور مینتسلاف، مدیر ورزشی شرکت ردبول، تأکید کرد هیچ شکی ندارد ماکس فرستاین، راننده هلندی و قهرمان چهار فصل اخیر رقابت‌های فرمول یک جهان، پس از پایان امسال نیز در تیم باقی خواهد ماند، با وجود شروع سخت فصل جاری. مینتسلاف در مصاحبه‌ای با روزنامه آلمانی «بیلد» در روز یکشنبه گفت: «مطمئنم که ماکس در آینده نیز مسیر طولانی‌اش با ردبول را ادامه خواهد داد. او در سال ۲۰۲۶ هم برای ما رانندگی خواهد کرد.» قرارداد فرستاین با ردبول تا سال ۲۰۲۸ ادامه دارد و مینتسلاف تأکید کرد نگران احتمال جدایی او پیش از موعد قرارداد از طریق پرداخت بند فسخ نیست. پس از شروع دشوار فصل، شایعاتی درباره احتمال جدایی فرستاین در پایان فصل به گوش رسید اما این راننده هلندی پیش از گرند پری عربستان که قرار است در پیست ساحلی جده برگزار شود و او موفق به کسب پول پوزیشن شده، این شایعات را رد کرد او توضیح داد: «امضای قرارداد تا سال ۲۰۲۸ با ما، اتفاقی نبود. او موضع خودش را به روشنی مشخص کرده است.» مینتسلاف افزود: «ماکس یک‌بار به من گفت که دوران حرفه‌ای‌اش را با ردبول آغاز کرده و می‌خواهد در همین تیم هم بازنشسته شود. تا جایی که من می‌دانم، این تصمیم تغییری نکرده است.» او ادامه داد: «ما از حضور ماکس، بهترین راننده جهان، بسیار بهر‌مند شده‌ایم اما واقعیت این است که خود او نیز دخیلی به ردبول مدیون است.» مینتسلاف گفت: «بله، در حال حاضر دوران دشواری را پشت سر می‌گذاریم اما احساس نمی‌کنم که این موضوع تردیدی در ذهن ماکس ایجاد کرده باشد.»

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین الملل: رامتین لعلیعی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلبلی

زاکربرگ متهم به انحصار

دادگاه آمریکا تلاش می کند شرکت متا را به دلیل انحصار طلبی در فضای مجازی تجزیه کند



یاسمن طاهریان
روزنامه نگار

FTC، رسانه ها و مردم عادی حضور داشتند. سیسیلیا کنگ، خبر نگار نیویورک تایمز که در این جلسات حضور داشته در پادکست دلیلی می گوید این پرونده ماهیت وجودی متا را تهدید می کند و مخاطرات بالایی برای این شرکت و زاکربرگ در پی خواهد داشت.

روابط عجیب و پرتنش ترامپ و زاکربرگ در هفته های اخیر، مقامات ارشد فیس بوک تلاش کردند کاخ سفید را متقاعد کنند تا از انتقال این پرونده به دادگاه جلوگیری کنند. گزارش های اخیر نشان دادند که پیش از این زاکربرگ به کاخ سفید رفت و با رئیس جمهور و مشاوران ارشد او دیدار کرد تا بتواند ترامپ را متقاعد کند که جلوی



زنان شگفت انگیز

مواضعی دارد چون به هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه کمک مالی می کند. او در کل درباره سیاست نظر نمی دهد.

اما سال ۲۰۱۶ در دور اول ریاست جمهور ترامپ مسائل پیچیده تر شدند. در آن زمان باور کلی بر این بود که فیس بوک منجر به پیروزی ترامپ در انتخابات شده است. چپ گرایان فیس بوک را عامل پیروزی ترامپ می دانستند. آنها بر این باور بودند که انتشار موجی از اطلاعات غلط سیاسی در فیس بوک به پیروزی ترامپ کمک کرد. زاکربرگ در واکنش به ایسن نگرانی ها، سیاست های جدیدی را تعریف و تغییرات تازه ای را در پلتفرم خود ایجاد کرد. گزینه هایی مانند حقیقت سنج که با هدف جلوگیری از انتشار سریع اطلاعات غلط اضافه شدند. راست گرایان این اقدامات را اساسا سانسور محافظه کاران می دانستند. آنها می گویند که روسای متا و کارمندان آنها لیبرال اند و رفتار تبعیض آمیزی مقابل محافظه کاران دولت ترامپ نشان می دهند. ترامپ هم خود را ضد فیس بوک نشان می داد. در این مقطع بود که فیس بوک خود را بین دو حزب می دید و در نهایت کمیسیون تجارت فدرال دولت ترامپ، که دادگاه بررسی آن از هفته گذشته آغاز شد. در

ششم ژانویه، حامیان ترامپ به ساختمان کنگره آمریکا حمله کردند. ترامپ در ویدیویی که در سراسر شبکه های اجتماعی از جمله فیس بوک و اینستاگرام فراگیر شد حامیان خود را مخاطب قرار داد و گفت که ایسن انتخابات از ما در دیده شده است. انتشار این ویدیو همه را نگران کرده بود؛ از قانونگذاران گرفته تا کارمندان کمپانی متا تا مردم. فیس بوک تصمیم گرفت تا این ویدیوها را با جار به سیاست این کمپانی درباره سخنرانی هایی که منجر به خشونت می شود، حذف کند. این کمپانی در اقدام بعدی خود حساب کاربری ترامپ را حذف کرد. در آن زمان بود که ترامپ فیس بوک را در فهرست دشمنان خود قرار داد.

مریم عمید؛ شکوفه ای که در بادهای تند زمانه شکفت

در روز گاری که سواد زنان را نه فضیلت، بلکه عیب می دانستند، دختری از سمنان، آرام اما پیگیر، طلسم نادانی را شکست. مریم عمید، مشهور به مزین السلطنه، هم رای نخستین بانوی روزنامه نگار ایران را بر تن کرد و هم نام خود را در پیشانی تاریخ آموزش دختران حک. فرزند رئیس الاطباء قشون ناصری، از کودکی در فضایی پر از کتاب، درس و گفت وگو بالید. نخستین آموزه هایش را از پدر آموخت و به سرعت

هفت صبح

پزنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است

pr@7sobh.com
www.7sobh.com

زاکربرگ، بایدن و چالش های کرونا

زمانی که جو بایدن روی کار آمد، این زاکربرگ بود که احساس سانسور شدن را داشت. نقطه اوج آن در دوران همه گیری کرونا بود؛ زمانی که کاخ سفید با بدین سراغ مدیران ارشد اجرایی فیس بوک رفت تا اطلاعات نادرست درباره این ویروس، هر گونه بدبینی نسبت به واکنس کرونا و هر گونه کالمه ای چه سوال برانگیز چه مطالب طنز درباره بیماری کووید-۱۹ را حذف کند. در طول زمان رابطه متا با دولت بایدن بدتر شد. لنّا کان، یکی از تنظیم کنندگان مقررات قانون آنتی تراست یا ضد انحصار (antitrust) است؛ قوانین مربوط به رفتارها و سازماندهی کسب وکارها به منظور ترویج رقابت اقتصادی و جلوگیری از моноپولی ها و انحصار طلبیسی توجیه نا پذیر. نام لنّا کان تهدید بزرگی برای تمام شرکت های آمریکایی محسوب می شود. او در دولت بایدن مسئول پیگیری پرونده شکایت علیه متا شد. در دوم ریاست جمهوری ترامپ، زاکربرگ رویکرد دیگری پیش گرفت، او بلند شدن ترامپ پس از ترور نافرجامش را تقدیر کرد. پیروزی او در انتخابات را تبریک گفت و برای دیدار با او به اقامتگاه مارالاگورفت. زاکربرگ ابتدا گزینه های حقیقت سنجی را حذف و مشابه ایکس (توییتر سابق) برچسب «تفسیرهای جامعه» را جایگزین آن کرد. شرکت متا همچنین یک میلیون دلار به مراسم تحلیف ترامپ کمک کرد. در واقع او به طور کامل خود را با دولت جدید ترامپ همسو نشان داد اما هیچ کدام از این اقدام ها نتوانست او را از این پرونده نجات دهد چون ترامپ همچنان از زاکربرگ و متا کینه به دل دارد. این پرونده به نوبه خود بسیار بدیع و متفاوت است چون حول محور خرید اینستاگرام و واتساپ و آنچه دولت فدرال استدلال می کند که فیس بوک با خرید این دو کمپانی توانست моноپولی خود را حفظ کند، قرار گرفته. پس از ادغام این دو کمپانی فیس بوک قدرت بسیاری پیدا کرد. تعداد کاربران آن به ۲میلیارد و ۵۰۰ میلیون نفر رسید و به پلتفرمی تبدیل شد که عده بسیاری از مردم جهان اطلاعات مورد نیاز خود را کسب و به اشتراک راهای دیگری برای آسسیب زدن به قوانین آنتی تراست به مقابله با یک کمپانی شبکه های اجتماعی رفته که ایللیکشن های آن برای کاربران رایجانی است و افزایش قیمتی برای مصرف کنندگان آن نداشته است. دولت آمریکا می گوید که همچنان راه های دیگری برای آسسیب زدن به مشتری وجود دارد. این که اگر این ادغام ها صورت نمی گرفت، شاید اینستاگرام و واتساپ می توانستند رقابت بیشتری ایجاد کنند تا فیس بوک مجبور شود خلافتانه تر عمل کند و ایللیکشن خود را ارتقا دهند. اینکه شاید ریسوایی های حفظ حریم خصوصی داده ها کمتر رخ بدهند. این موارد به هز هزینه مربوط نیستند اما بر تجربه کاربران آنها تاثیر می گذارند.

شماره های این نشریه، از تحصیل و تربیت دختران گفت، به خرافات تاخت، از تولید ملی حمایت کرد و وطن دوستی را در جان خواندند گانش شعله ور ساخت. مریم عمید با صدایی روشن و قلمی استوار، نسلی را بیدار کرد. زنی پیشگام در مطبوعات بود و آموز گاری که رویای دانایی و برابری را در جان دختران ایران نشاند. شکوفه ای که در بادهای سخت شگفت و عطر امید را تا امروز در هوا پراکند.

چهره روز

به شوق نخستین روز اردیبهشت که به نام «سعدی شیرازی» مسمی یافته است

«تا دل به مهرت داده‌ام / در بحر غم افتاده‌ام چون در نماز استاده‌ام / گوی به محراب اندری» و این چیزی نیست جز نفوذ کلام سحرانگیز او که در همه حدود ۷۵۰ سالگی که از در گذشتاش می گذرد، دنیای فارسی زبانی را از حسن حضور خود عطر آگین کرده است و بی‌وایران و ادبیات فارسی حتما چیزی کم داشت. به قول کوروش کمالی سروستانی؛ «سعدی یکی از پایه‌های بنای استوار زبان و ادب فارسی است، و شعر و نثر او شکوه‌مناهند در فرهنگ امروز ما می‌درخشد. او شیرازمند ادبیات فارسی و پایه‌گذار مکتب ادبی شیراز است و آثارش کلیدی‌ترین باورها و اندیشه‌های انسانی را بازتاب می‌دهد و بدین‌سان لباس فاخر شاعر ملی را بر تن می‌پوشد. اگر سعدی در حافظه تاریخی، ذوق شعری، عاطفی و احساس ایرانیان و فراتر از جغرافیای ایرانی، در مراهی اندیشه و تحلیل جهانیان جایگاهی خوش یافته، نشان از عزت و منزلت سعدی در جامعه فرهنگ جهانی دارد که در قرن‌هایست آثارش را در میان خود، عاشقانه نگاهایی می‌کنند»



علی مجتهدزاده / عبدالجواد موسوی / شادی قنبری یاسمن طاهریان / فرزاد نعمتی / علی مسعودی نیا سهام‌الدین بورقانی / حمیدرضا محمدی / رضا صائمی مختار هوشنگی / محسن قزلباش / نیما فلاکی محمدرضا سالاری / صدرا بکتاش / آزاده ابوطالبی / الهه کاکایی بهمن حبیبی / بهنام امینی / فرشته فریادرس احترام قاسم قاضی / حمید بهشتی / معیوبه ولی / متین شیرزی ملک میرمهدی / محمد حاجی مونی / صابر قدیمی رضاهسپار / شیرین فیروزبخت / امیرتاجیک / افشین امیرشاهی وحید غفاری / محمد میرزائی / امید روشنگر / بهناز سعیدی / مرتضی کلبلی / فرزانه اختیاری / فاطمه شیخ‌علیزاده امید کاجیان / سید محسن موسوی / زینب کاظم‌خواه امید ذاکری نیا / محمد صادق تبار / سما بابایی شاه‌رخ فتوره‌چی / زهرا نورا نجفی / صالح رجایی احمدرضا حجاززاده / نوشین آذرنگ / کیراش وفاپی نژا / پیکانیان / علی افتخاری / محمدعرفان صدیقیان بابک نبی / مهدی خاکی فیروز / عسل آذرپور / سمیه نظری تیوا صدیدیان / مهدی علیپور / مرضیه موسوی / لیلی مهرداد راضیه زرگری / سمیه ایمانیان / مهتاب جوذگی حدیث ملاحسینی / زهرا داستانی / زهرا صالحی‌زاده مرجان حاجی رحیمی / اعظم پویان

با هم، برای شما

همه این افراد در فروردین‌ماه همراه هفت صبح بودند.

هفت صبح

www.7sobh.com @haftsobh @haftsobh_news @haftsobh

کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۱۰۷۰
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

یادداشت

قانون بی قدرت و امنیت از دست رفته در عرصه فرهنگ

سهام‌الدین بورقانی
روزنامه نگار

در فاصله‌ای کمتر از یک سال، دو وزیر سکان هدایت وزارت فرهنگ و ارشاد را بر عهده گرفته‌اند. اولی از جریانی پر خاست که دغدغه چندانی برای فرهنگ نداشت و اگر سنگی پیش پای هنرمندان نمی‌انداخت، باید شکر گزار می‌بودیم؛ دومی اما دست کم روی کاغذ، داعیه‌دار گشایش های فرهنگی است و چند بار به قانون شکنی ها و سنگ اندازی ها انتقاد کرده است. حالا در زمانی که جامعه بیش از هر دوره ای به گسترش عرصه فرهنگ نیاز دارد و بسا وجود تمام دشواری ها، امید به مشارکت پر رنگ هنرمندان دارد، باز هم اتفاقاتی رخ می‌دهد که بازگشت هنرمندان را به صحنه دشوارتر از همیشه می‌کند. حوزه فرهنگ، همچون دیگر عرصه‌ها، نیازمند امنیت سرمایه گذاری است؛ جامعه هم به سینما، موسیقی، کتاب هنر محتاج است. اما همچنان با رفتارهایی مواجهیم که دل هنرمندان را می‌لرزاند و بار دیگر این پرسش را بیش‌وی نهادهای فرهنگی قرار می‌دهد: قانون در کجای این ماجرا ایستاده است؟ چند روز پیش، وحید تاج، خواننده سابقه و خوشنام، نتوانست روی صحنه‌ای برود که برای آن مجوز رسمی در دست داشت. در لحظه ای که باید با آرامش خاطر اجرا می‌کرد، با ممنوع‌الکاری ناگهانی و بی خبری مواجه شد و درهای تالار اندیشه حوزه هنری به روی او بسته ماند؛ نه به حکم دادگاه، نه بر اساس قانونی مشخص، بلکه بهواسطه تصمیمی مبهم که نه منبعش روشن است و نه مستوشل پاسخگو. سیدعباس صالحی، وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد، پیش تر با صراحت بر لازم‌الاجرا بودن سند موسیقی تاکید کرده و گفته بود: «هیچ حوزه‌ای از استانی تا منطقه‌ای حق اعمال سلیقه درباره مجوز کنسرت ها ندارد». این گزاره ای ساده و بدیهی است. اما تا کی باید شاهد زیر پا گذاشتن بدیهیات باشیم؟ آیا اجرای قانون مجوز کنسرت ها ندارد؟ این استانی تا منطقه‌ای حق اعمال سلیقه درباره نمی گیرد بلکه در تمام لایه‌های فرهنگ نفوذ خواهد کرد. قانون باید اجرا شود، نه گزینشی و نه سلیقه‌ای. تا زمانی که این اصل روشن در عمل پذیرفته نشود، هنرمندان، چاره ای جز انزوا و سکوت نخواهند داشت.

یک دقیقه زندگی

پیوند زدن شقایق به گودرز در آرایشگاه

مرتضی کلبلی | اصلا اینطور شروع کنم که یکی از تعریحات هر ماهم با رفتن به آرایشگاه برای اصلاح مو و شنیدن بحث‌های برادران آرایشگر یعنی رامین و آرمان است. رامین برادر بزرگتر است و آرمان برادر کوچکتر. اولی طرفدار متعصب استقلال و دومی یک پرسپولیسی دواتیشه است. نکته مهم، تلویزیون بالای سراین دو عزیز آرایشگر است. تقریبا هیچ سریال و فوتبالی را از دست نمی‌دهند. یعنی تمام سریال‌های شبکه آی فیلم و فوتبال‌های پخش زنده لیگ‌بتر از شبکه سه و شبکه ورزش هستند. است از زنگه نقادانه این دو بزرگوار در بروود. علاوه بر بحث‌های فرهنگی و ورزشی و تحلیل سریال‌ها و نقد فوتبال، دستی هم بر آتش سیاست دارند؛ طوری که مثلاً در مذمت برجام می‌توانند ساعت‌ها سخنرانی و تحلیل ارائه بدهند. راستی که برادر تنفاری هم دارند که او هم در مغازه بفلی‌شان بنگاه مالک دارد که هر از گاهی اگر سرش خلوت باشد، سری به این دو برادر بزرگتر از خودش می‌زند و پای معاملات مسکن و ساخت و ساز و... را هم به میان می‌کشد که این خود حدیث مفصلی است. برگردیم به رامین و آرمان؛ همین که سرتیتمش روی صندلی و پیشبند را دور گردنم بخت، بحث را اینگونه باز کرد که «مرتضی راستی چی میشه نتیجه مذاکرات؟» همین لحظه بود که رامین این سوال را روی هوا زد و شروع کرد به ارائه تحلیل و پیش‌بینی قاطعه‌ای از نتیجه مذاکرات. از هر دری سخن می‌گفت و فکت می‌آورد؛ از سیاست‌های دوره پیشین ریاست جمهوری ترامپ تا دوره جدید تحلیل ارائه داد و از تغییر رویکرد او در خاورمیانه سخن گفت؛ از ورود بمب‌افکن‌های B۲ آمریکا به منطقه گفت و بمباران حوثی‌های یمن؛ از قدرت موشکی ایران می‌گفت و عظمت تله‌های جنگی آمریکا؛ یکی به نعل می‌زد و یکی به میخ؛ گپج شده بودم... این وسط به یکی دو تا تلفن هم جواب داد و همزمان که داشت از نتیجه مذاکرات و اثرات آن بر قیمت دلار و مسکن می‌گفت، یکی دو گونی برنج شمال هم به مشتری بخت بر گشته زیر دستش فروخت. رامین که به هیچ کس مجالی برای ارائه نظر نمی‌داد، همینطور به گمانه‌زنی‌های خود ادامه داد و سرنوشت مذاکرات را هم پیش‌بینی کرد که بماند... در این لحظه تلویزیون شروع به بازپخش قسمت آخر سریال پایتخت کرد؛ اینبار آرمان شروع به تعریف از این سریال کرد ولی گفت که قسمت آخر را ندیده و پرسید «شهاب سنگو فروختن؟» رامین اینجا هم فرصت را غنیمت شمرد و قسمت آخر را برای آرمان اسپویل کرد و با تعریف هر سکانسی از بازی نقی یابهنشاد، صدای بلند خنده‌هایش آرایشگاه را برداشته بود. بعد هم بازی تک‌تک بازیگران را نقد کرد که اکثرا مثبت بود ولی قسمت آخر زیاد به دلش نشست و گفت هندی‌بازی بود و غیرواقعی که نقی و ارسطو از خیر ۵۰میلیارد تومان بگذرند، ناشی که او رد می‌آید بود در آن لحظه هنوز بازی‌های لیگ‌بتر شروع نشده بود و گردن مجبور به شنیدن تحلیل بازی‌های هفته بیست و هفتم هم می‌شدیم. ولی در جواب یکی از رفقای پرسپولیسی‌اش با اشاره به تساوی استقلال مقابل گل‌گهر که به طعنه به او گفت «رامین به لیگ یک سقوط نکنید» شروع کرد به انتقاد از بازیکنان استقلال و متهم کردن آنها به بی‌غیرتی و...خب در اینجا بعد از ۴۰ دقیقه شنیدن تحلیل‌های سیاسی و فرهنگی و ورزشی کار اصلاح سرم تمام شد و این میز گرد(د) را ترک کرد. ما تحلیلی دیگر خدا نگهدار...